



Comparative Analysis of the Buildings enjoying Plaster-Tile Muqarnas in the Timurid and Turkmen of the Present Iran

Zahra Rashednia*

ph.D. Candidate of Archaeology (Islamic Era), Department of Archaeology, Faculty of Conservation & Restoration, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Ahmad Salehi Kakhki

Professor, Department of Archaeology, Faculty of Conservation & Restoration, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Abstract

Muqarnas is an architectural element often used in entrance porches, iwans, squinches of domes, and other structures. It can be made from various materials such as brick, plaster, tile, or a combination of materials such as brick-tile or plaster-tile. During the Timurid and Turkomen (Torcoman) periods, intricate and artistic plaster muqarnas were created, on their horizontal/flat/panel surfaces decorated with tiles.

This research not only showcases a number of buildings which enjoy plaster-tile muqarnas that belong to the periods mentioned above but also investigates and evaluates the location of muqarnas, types of motifs, inscriptions, execution and decoration techniques, and the color of tile glaze. This article also aims to find commonalities between the tile motifs found in plaster muqarnas and other tileworks from the periods in question.

The research methodology is based on data gathering through field research and documentary resources. It uses an interpretative-historical approach to analyze the data obtained from the case studies. The results, obtained from the study of six buildings, indicate that this decorative method was only prevalent in a limited region of Iran, in the two provinces of Yazd and Fars, during the said period. All of the aforementioned tilework decorations were executed using a combined technique of Mo'araq (mosaic) and *La'āb-parān* (glaze-removing), along with various vegetal, geometric, and inscription motifs. In terms of tile motifs, there are common features among the tile decorations of the periods under study including: multi-petaled flowers with each petal ending in a motif resembling a flower/bud/leaf, teardrop shapes, often executed using the *La'āb-parān* technique and transformation of the central Kufic inscription into a knot pattern (eight-pointed geometric pattern).

Keywords: Plaster Muqarnas, Mosaic (Mo'araq) Tile, Combination of plaster and tiles, Timurid and Turkmen periods, flat (*Takht*)/panel (*Takhteh*).

* Corresponding Author, Email: z.rashednia@yahoo.com

تحلیلی تطبیقی بر ابنیه دارای مقرنس‌های گچی تلفیق یافته با آرایه‌های کاشی‌کاری در دوره تیموری و ترکمانان ایران امروزی^{*}

زهرا راشدنیا^{**}

دانشجوی دکتری (دوران اسلامی)، گروه باستان‌شناسی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

احمد صالحی کاخکی

استاد، گروه باستان‌شناسی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

مقرنس از عناصر معماری و اغلب در سردرهای ورودی، ایوان‌ها، گوشواره گنبد‌ها و ... با انواع مصالح از جمله آجر، گچ، کاشی و گاه ترکیبی از دو یا چند نوع مصالح همانند آجر و کاشی یا گچ و کاشی و ... اجرا شده است. در دوره تیموری و ترکمانان شاهد مقرنس‌های پرکار و هنرمندانه گچی هستیم که سطوح افقی / تخت / تخته‌های آن‌ها، با کاشی آراسته شده است. در این پژوهش، علاوه بر معرفی تعدادی از بناهای شناسایی شده دارای مقرنس‌های گچی تلفیق یافته با کاشی این ادوار، محل کاربرد مقرنس‌ها، انواع نقش‌مایه‌ها، کتیبه‌ها، تکنیک‌های اجرایی و تزئینی همچنین رنگ لعاب کاشی‌ها، مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. یافتن وجوه اشتراک نقش‌مایه‌های کاشی موجود در مقرنس‌های گچی، با سایر کاشی‌کاری‌های بازه زمانی مورد مطالعه، از اهداف دیگر این مقاله است. روش یافته‌اندوزی بر پایه پژوهشی میدانی و با استناد به منابع مکتوب صورت گرفته که به روش تفسیری - تاریخی، به تحلیل داده‌های به دست آمده از نمونه‌های مطالعاتی می‌پردازد. نتایج حاصله، که از بررسی ۶ بنا به دست آمده، حاکی از آن است که این شیوه تزئینی، فقط در منطقه محدودی از ایران، در دو استان یزد و فارس در آن ادوار، رواج داشته است. تمامی آرایه‌های کاشی‌کاری مذکور با تکنیک تلفیقی معرق و لعاب‌پران و با انواع نقش‌مایه‌های گیاهی، هندسی و نیز کتیبه به اجرا درآمده‌اند. در زمینه نقش‌مایه‌های کاشی، وجوه اشتراکی همچون؛ گل‌های چندپری که رأس هر گلبرگ آن، به نقش‌مایه‌ای شبه گل / غنچه / برگ مانندی ختم می‌شود، فرم‌های اشک مانندی که اغلب با تکنیک لعاب‌پران اجرا شده، تبدیل کتیبه کوفی بنایی در مرکز به نقش گره (نقش هندسی هشت) و ... را، با سایر آرایه‌های کاشی این ادوار، می‌توان برشمرد.

کلیدواژه‌ها: مقرنس گچی، کاشی، تلفیق گچ و کاشی، دوره تیموری و ترکمانان، تخت / تخته

^{*} این مقاله برگرفته از رساله دکتری زهرا راشدنیا در رشته باستان‌شناسی (دوران اسلامی)، با عنوان: «شناخت ویژگی‌ها و طبقه‌بندی تزئینات کاشی‌کاری در بناهای دوره تیموری و ترکمانان ایران امروزی (با تأکید بر استان یزد)» در دانشگاه هنر اصفهان، به راهنمایی دکتر احمد صالحی کاخکی است.

^{**} نویسنده مسئول مکاتبات با پست الکترونیک: z.rashednia@yahoo.com

۱ - مقدمه

مقرنس دارای انواع گوناگونی است و با مصالح مختلفی، همچون آجر، چوب، سنگ، گچ، کاشی و یا تلفیقی از چند مصالح با هم ساخته و تزئین می‌شود. مقرنس‌های گچی از جمله تزئیناتی است که در دوره تیموری، همانند ادوار قبل از خود نیز به کار می‌رفت، لیکن در این عصر، شاهد نمونه‌های منحصر به فردی از مقرنس‌ها هستیم که در تلفیق با آرایه‌های کاشی، به خصوص کاشی معرق (اغلب در ترکیب با لعاب‌پران^۲)، در سطوح افقی آن‌ها، موسوم به تخت/تخته نصب شده است. البته قابل ذکر است که در یک نمونه از جامعه آماری مورد مطالعه (گنبد مصلی عتیق یزد)، کاشی علاوه بر تخت/تخته‌ها، در سایر اجزای مقرنس همانند ترنج نیز، مورد استفاده قرار گرفته است. این شیوه تزئینی تلفیقی در بخش‌های مختلف بناها از قبیل فضای زیر گنبد، طاق‌نماها و به خصوص محراب‌های این عهد اجرا شده است. لذا مقاله حاضر، تلاشی است در جهت معرفی ابنیه دارای مقرنس‌های گچی تلفیق یافته با کاشی در دوره تیموری و ترکمانان ایران و همچنین شناسایی ویژگی‌های بصری کاشی‌کاری‌ها. شناسایی وجوه اشتراک نقش‌مایه‌های کاشی، با سایر کاشی‌کاری‌های این ادوار، از هدف‌های دیگر پژوهش پیش رو است. در راستای دستیابی به اهداف مذکور، پرسش‌های پژوهش حاضر چنین است: ابنیه دارای مقرنس‌های گچی در تلفیق با کاشی دوره تیموری و ترکمانان در ایران کدام و محل کاربرد آن‌ها در چه بخش‌هایی از بناها است؟ چه ویژگی‌های بصری را می‌توان برای آرایه‌های کاشی‌کاری مقرنس‌های گچی، در این بازه زمانی برشمرد؟ چه وجوه اشتراکی بین کاشی‌های مقرنس‌های گچی با سایر آرایه‌های کاشی این ادوار، می‌توان یافت؟ مقاله با روش تفسیری - تاریخی و با روش کتابخانه‌ای و میدانی، به گردآوری داده‌های پژوهش پرداخته است. از جمله بناهای دارای این دسته از آرایه‌ها می‌توان مسجد سرریگ، گنبد مصلی عتیق، مسجد جامع ابرندآباد، مسجد جامع فیروزآباد میبد، مسجد مجموعه سلطان بُندرآباد اشکذر، همگی در استان یزد و امامزاده شهداء صفاشهر در شمال استان فارس را نام برد (۶ بنا در ۲ استان همجوار). با توجه به اینکه تاکنون پژوهش مستقلی در مورد مقرنس‌های گچی تلفیق یافته با کاشی دوره تیموری و ترکمانان صورت نپذیرفته است؛ از این رو، با استناد به تمامی جامعه آماری که در آن مقرنس‌های گچی مزین به کاشی یافت شده است؛ به معرفی و همچنین شناسایی ویژگی‌های بصری کاشی‌کاری‌های موجود در آن مبادرت شد؛ بنابراین این مقاله می‌تواند به عنوان پیش‌درآمدی برای شناخت بیشتر این دسته از آرایه‌ها، در بازه زمانی مذکور باشد که کمبود آن، بر ضرورت پرداختن به این مبحث تأکید می‌کند.

۲ - پیشینه پژوهش

تاکنون منابع متعددی درباره مقرنس و انواع آن در دوره‌های مختلف اسلامی به نگارش درآمده است، ولی هیچ‌کدام از این منابع، ابنیه دارای مقرنس‌های گچی در تلفیق با آرایه‌های کاشی دوره تیموری و ترکمانان را، به صورت یکجا و اختصاصی، معرفی و تشریح نکرده است. در بیشتر منابع موجود، در خلال معرفی، مطالعه و بررسی آرایه‌های مختلف یک بنا یا مجموعه بناها، این دسته از آرایه‌ها را نیز مطرح کرده و کمابیش آن را توضیح داده‌اند. یکی از مآخذی که در این زمینه می‌توان نام برد؛ کتاب ایرج افشار (۱۳۵۴) با عنوان «یادگارهای یزد» است. در منبع فوق، ضمن معرفی بناهای دوره‌های مختلف استان یزد، به ارائه اطلاعاتی در مورد عناصر معماری بناها و آرایه‌های گوناگون موجود در آن‌ها، از جمله کاشی‌کاری‌های مربوط به دوره تیموری و ترکمانان نیز، اقدام کرده است. مسجد سرریگ، گنبد مصلی عتیق، مسجد جامع ابرندآباد و مسجد مجموعه سلطان بُندرآباد، از نمونه‌های مطالعاتی این پژوهش است که در مورد آن‌ها، توضیحات مختصری ارائه شده است. در منابعی مانند «معماری تیموری در خراسان» (۱۳۸۶) و همچنین «معماری تیموری در ایران و توران» (۱۳۷۴)، بیشتر به مبحث مقرنس‌های گچی و نوع آن در این دوره پرداخته شده، اما در مورد آرایه‌های کاشی‌کاری مورد استفاده در این مقرنس‌های گچی، کمتر سخنی به میان آمده است. کتاب «معماری دوره آل مظفر یزد»، اثر خادم‌زاده (۱۳۸۹)؛ همانند کتاب افشار، در حوزه شهر یزد است. در اثر مذکور نیز در کنار توصیف سایر آرایه‌های به کار رفته در ابنیه شهر یزد، به طور گذرا و کوتاه، اطلاعاتی در مورد کاشی‌های مورد استفاده در مقرنس‌های گچی نیز ارائه شده است. مبحث اصلی در پایان‌نامه احترام (۱۳۹۲)، مطالعه فنی و آسیب‌شناسی آرایه‌های نقاشی گنبد مصلی عتیق است

زهرا راشدنیا

که در ضمن آن نیز، به طور خلاصه به مقرنس های گچی در تلفیق با کاشی هم اشاره شده است. از جمله مهم ترین منابعی که بیش از سایر مآخذ، به موضوع مورد پژوهش پرداخته، ابراهیم زاده (۱۳۹۶) است که در پایان نامه خود و همچنین در مقاله مشترکی با صالحی کاخکی (۱۳۹۷)، مجموعه امامزاده شهداء را از وجوه مختلف، مورد بررسی قرار داده است. در این دو پژوهش، بخشی از کار مربوط به آرایه ها است که در آن مقرنس های گچی در تلفیق با کاشی در بنای مورد مطالعه خود مطرح شده است. مزیدی شرف آبادی (۱۳۹۷) در پایان نامه به «مجموعه سلطان بُندرآباد اشکذر» توجه کرده است. در بخشی از پایان نامه مذکور، آرایه های کاشی معرق موجود در مقرنس های گچی طاق محراب مسجد مجموعه نیز، مورد مطالعه قرار گرفته است. در دسته ای دیگر از منابع همچون مشکوتی (۱۳۴۹)، خاکباز الوندیان (۱۳۹۳) و ... به صورت مختصر و گذرا، در مورد مقوله مورد مطالعه مباحثی را، مطرح کرده اند. با توجه به مطالعات صورت گرفته که به لحاظ موضوعی، با این مقاله تشابه داشتند، این نتیجه حاصل شد که هرکدام از این منابع، یک یا چند مورد از جامعه آماری مورد پژوهش را، به گونه ای مختصر، مورد بررسی قرار داده اند و نمونه ای که همه اماکن دارای این دسته از آرایه ها را معرفی و مورد مطالعه قرار داده باشد، به چشم نمی خورد. به نظر می رسد علی رغم خاص بودن این دسته از آرایه ها (تلفیق مقرنس گچی با کاشی)، لازم است که به طور کامل و مستقل، به معرفی و شناسایی ویژگی های بصری این دسته از آرایه ها، پرداخته شود.

۳- توصیف و بررسی

۳-۱ - روش تحقیق

پژوهش حاضر براساس روش، از گونه تحقیقات تفسیری - تاریخی و شیوه تجزیه و تحلیل و تفسیر داده ها، تحلیلی- تطبیقی است. روش یافته اندوزی اطلاعات و داده ها، به شیوه اسنادی (کتابخانه ای) و مبتنی بر مشاهدات عینی (میدانی) شامل بازدید از بناها، و تهیه تصاویر از آن ها است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه ابنیه دارای مقرنس های گچی مزین به کاشی دوره تیموری - ترکمانان در ایران است که شامل شش بنا می شود. از این رو، نخست یافته ها ارائه شده اند و سپس به معرفی و مطالعه تحلیلی- تطبیقی کاشی کاری های موجود در مقرنس های گچی پرداخته شده است. در ادامه به منظور تحلیل بهتر موضوع، تمام نمونه ها در قالب جداول با یکدیگر مقایسه و تطبیق داده شدند.

۳-۲ - مروری اجمالی بر کاربرد کاشی با مصالح دیگر در معماری اسلامی ایران تا اواسط قرن هشتم ه. ق

کاربرد کاشی در سده های آغازین دوره اسلامی ایران، به صورت کاشی های نگینی تک رنگ، اغلب فیروزه ای که در بناهای مذهبی و غیر مذهبی مورد استفاده قرار گرفته است (ویلبر، ۱۳۸۹). بهره گیری از کاشی در تلفیق با دیگر مصالح همچون آجر، گچ، سفال نقشین/ گل پخته و سنگ را در دوره های قبل از تیموریان و ترکمانان (سلجوقیان، خوارزمشاهیان، ایلخانیان، مظفریان) نیز می توان بررسی کرد. در عصر سلجوقی ترکیب کاشی اغلب با آجر به کار رفته که از جمله این نمونه ها می توان به ترکیب کاشی تک رنگ فیروزه ای با آجر در «گنبد سرخ» مراغه (شکل ۱ الف)، «گنبد مدور» مراغه (گدار و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۳)، آرامگاه خواجه اتابک کرمان (حاتم، ۱۳۷۹) و ... اشاره داشت. «مسجد جامع گناباد» (شکل ۱ ب)، «مسجد ملک» زوزن خواف (Pickett, 1997)، «مسجد فریومد» (Pickett, 1997: 133) از مهم ترین بناهای دوره خوارزمشاهیان به شمار می رود که کاشی تک رنگ اغلب به رنگ های فیروزه ای، لاجوردی و یا سفید در ترکیب با آجر و سفال نقشین/ گل پخته کاربرد داشته است. اوج فنون تلفیقی کاشی با مصالح دیگر نظیر آجر، گچ، سنگ، سفال نقشین/ آجر مهری را در دوره ایلخانی می توان مشاهده کرد. تلفیق کاشی و آجر تراش در ایوان غربی «مجموعه بایزید بسطامی» (شکل ۱ ج)، تلفیق کاشی و گچ بری در ایوان جنوبی «مسجد جامع اشترجان» (شکل ۱ د)، تلفیق کاشی با سنگ در کتیبه خدایخانه «مسجد عتیق شیراز» (شکل ۱ ه)، ترکیب کاشی با سفال نقشین در ایوان غربی «مجموعه بایزید بسطامی» و ... می توان دید (شکل ۱ و). در دوره مظفری در بناهایی مانند «مسجد مظفری» کرمان

زهرا راشدنیا

تحلیلی تطبیقی بر ابنیه دارای مقرنس های گچی تلفیق یافته با آرایه های کاشی کاری در دوره تیموری و ترکمانان ایران امروزی



ترکیب کاشی با سفال نقشین/ گل پخته (شکل ۱ ز)، محراب «مدرسه مظفری مسجد جامع اصفهان» تلفیق کاشی با آجر و ... مورد استفاده قرار گرفته است (شکل ۱ ح). با توجه به پیشینه استفاده از کاشی در ترکیب با سایر مصالح در ادوار قبل از تیموریان و ترکمانان، نمونه‌های دربردارنده مقرنس‌های گچی (با اندود ساده گچ) در تلفیق با کاشی قابل مشاهده نبود. بنابراین از جمله مناطقی که مقرنس‌های گچی در تلفیق با کاشی را در خود جای داده، می‌توان به ابنیه استان یزد و فارس اشاره کرد که نمونه‌های منحصر به فردی از آن‌ها موجود و به لزوم بررسی این موضوع تأکید می‌کند.



شکل ۱. تلفیق کاشی با مصالح دیگر در ابنیه الف) ترکیب کاشی تک‌رنگ فیروزه‌ای با آجر در «گنبد سرخ» مراغه ب) تلفیق کاشی و آجر تراش در «مسجد جامع گناباد» ج) تلفیق کاشی و آجر تراش در ایوان غربی «مجموعه بایزید بسطامی» د) تلفیق کاشی و گچ‌بری در ایوان جنوبی «مسجد جامع اشترجان» ه) تلفیق کاشی با سنگ در کتیبه خدایخانه «مسجد عتیق شیراز» و) ترکیب کاشی با سفال نقشین در ایوان غربی «مجموعه بایزید بسطامی» ز) ترکیب کاشی با سفال نقشین/ گل پخته در «مسجد مظفری» کرمان ح) تلفیق کاشی با آجر در محراب «مدرسه مظفری مسجد جامع اصفهان» (نگارندگان، ۱۴۰۲)

۳-۳- تعریف مقرنس

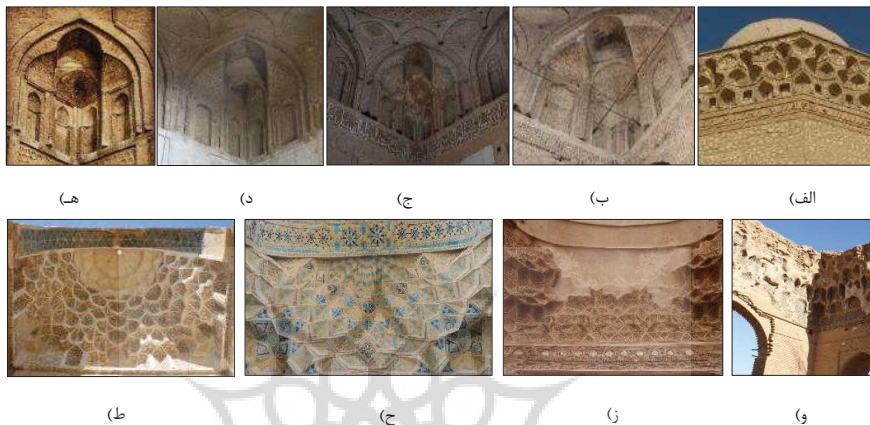
تعاریف گوناگونی از مقرنس توسط دانشمندان و پژوهشگران قدیم و معاصر ارائه شده است، اما یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین آن‌ها، متعلق به غیاث‌الدین جمشید کاشانی، دانشمند ایرانی قرن نهم هـ. ق است، وی در کتاب «رساله طاق و آج»، مقرنس را این‌گونه توصیف می‌کند: «مقرنس سقفی است که تشکیل شده از چند ضلعی‌هایی که ضلع هرکدام از آن‌ها با ضلع مجاور در وسط متقاطع گردیده به طوری که زاویه تقاطع آن‌ها قائمه یا نصف قائمه و یا مجموع یک قائمه و نصف آن و یا غیر از آن - به طوری که دو قائمه به نظر برسد - باشد. سقف آن‌ها در سطح افقی که هرکدام برای طبقه بالایی پایه است از دو سطح صاف یا منحنی که با سطح افقی قرار گرفته‌اند یک طبقه می‌گویند و نیز به مقدار بزرگ‌ترین چند ضلعی مقیاس مقرنس گفته می‌شود» (کاشانی، ۱۳۶۶). برخی بر این باور هستند که مقرنس در ابنیه، ابتدا بیشتر نقشی کاربردی داشته و برای تبدیل پلان مربع به دایره استفاده می‌شد، سپس کاربرد آن، بیشتر تزئینی شده است. (نجیب‌اوغلو، ۱۳۷۹). اجرای مقرنس با مصالح متفاوتی نظیر آجر، آینه، کاشی، گچ، چوب و ... صورت پذیرفته

زهراراشدینیا

تحلیلی تطبیقی بر ابنیه دارای مقرنس‌های گچی تلفیق یافته با آرایه‌های کاشی‌کاری در دوره تیموری و ترکمانان ایران امروزی



است. از جمله نمونه‌های ادوار مختلف، می‌توان مقرنس مابین انتهای ساقه و پایه گنبد در گنبد علی/عالی ابرکوه که طبق کتیبه آن، در سال ۴۴۸ هـ. ق بنا شده است (Blair, 1992) (شکل ۲ الف). مقرنس‌های آجری موجود در گوشواره‌های زیر گنبد مسجد جامع برسیان اصفهان (شکل ۲ ب)، مسجد جامع اردستان (شکل ۲ ج) همچنین گنبد نظام‌الملک و گنبد تاج‌الملک در مسجد جامع اصفهان (شکل ۲ د - هـ)، همگی مربوط به عصر سلجوقی، مقرنس‌های گچی ایوان شمالی مسجد - مدرسه ملک زوزن خرگرد (شکل ۲ و) و مقرنس‌های گچی در ترکیب با کاشی ایوان جنوبی مسجد جامع فریومد سبزواری (شکل ۲ ز)، مربوط به دوره خوارزمشاهیان و همچنین در بسیاری از بناهای دوره ایلخانی، همانند مقرنس ترکیبی آجر با کاشی سردر ورودی مسجد جامع اشترجان (شکل ۲ ح)، مقرنس گچی ایوان اولجایتو در مجموعه بایزید بسطام (شکل ۲ ط) و ... را نام برد.



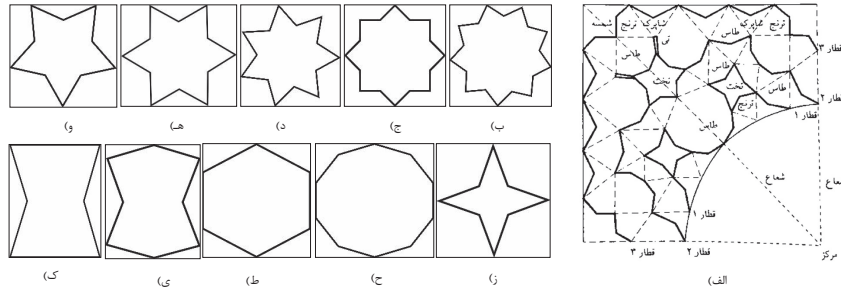
شکل ۲. مقرنس‌های موجود در الف) گنبد علی ابرکوه ب) مسجد جامع برسیان ج) مسجد جامع اردستان د- ه) گنبد نظام‌الملک و تاج‌الملک در مسجد جامع اصفهان و) مسجد-مدرسه ملک زوزن خرگرد ز) مسجد جامع فریومد سبزواری ح) مسجد جامع اشترجان ط) ایوان اولجایتو در مجموعه بایزید بسطام (نگارندگان، ۱۴۰۲)

۳-۴ - اجزا/ آلت‌های سازنده مقرنس

به‌طور کلی مقرنس از اجزای سازنده‌اش یعنی ردیف‌ها و آلت‌ها تشکیل می‌شود؛ به این صورت که از کنار هم قرارگیری این آلت‌ها در زوایای مختلف، یک قطار تشکیل می‌شود و از روی هم قرارگرفتن آن‌ها در فواصل مشخص و مساوی، مقرنس به وجود می‌آید (نجیب‌اوغلو، ۱۳۷۹؛ رئیس‌زاده و مفید، ۱۳۷۴) (شکل ۳ الف). شاپرک، شمس، ترنج، طاس، تی، مدنی، مدنی دوسره/مدنی دو شاخه، طاس دولنگه/دو پیخ، تخت یا تخته منتظم و غیرمنتظم (مانند گیوه، طبل)، آلات تشکیل‌دهنده مقرنس هستند (لرزاده، ۱۳۶۰). محل قرارگیری مقرنس می‌تواند در سرستون‌ها، مناره‌ها، نمای بیرون برج‌ها، طاقچه‌ها و ... باشد؛ ولی معمولاً در زیر نیم طاق ورودی‌ها و ایوان‌ها، در گوشواره زیر گنبد‌ها و کنج ایوان‌ها نیز به کار می‌رود و در مواردی هم یک طاق کامل را می‌پوشاند. همچنان‌که ذکر شد تخت یا تخته، از جمله اجزای تشکیل‌دهنده مقرنس است که انواع مختلفی دارد همانند تخت/تخته منتظم که به دو حالت در مقرنس دیده می‌شود؛ یکی به شکل ستاره‌های چندپیر (چهارپیر، پنجپیر، ششپیر، هفتپیر، نه‌پیر و غیره) (شکل ۳ ب - ز) و دیگری به شکل مثلث، مربع، پنج‌ضلعی، شش‌ضلعی و غیره در می‌آید (شکل ۳ ح - ط)، نوع دیگر تخت/تخته غیرمنتظم است: مانند گیوه، طبل و ... (شکل ۳ ی - ک). آلت مذکور، تنها جزء تشکیل‌دهنده مقرنس است که به‌صورت افقی قرار می‌گیرد (شعرباف، ۱۳۸۵). در مقرنس‌های گچی تعدادی از بناهای برهه زمانی مورد مطالعه در این پژوهش، تخت/تخته‌ها با آرایه‌های کاشی کاری معرق پوشیده شده‌اند (در یک نمونه از جامعه آماری یعنی گنبد مصلی عتیق یزد، کاشی علاوه بر تخته‌ها، در سایر اجزای مقرنس نیز مشاهده می‌شود) که در ادامه به معرفی و بررسی آن‌ها، پرداخته خواهد شد.

زهراراشدینا

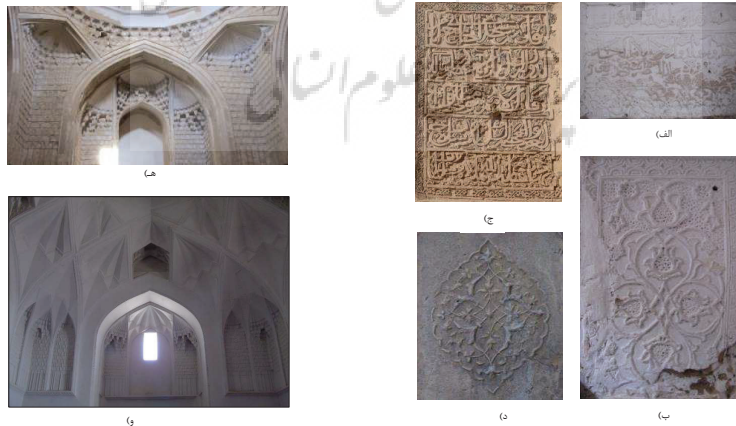
تحلیلی تطبیقی بر ابنیه دارای مقرنس‌های گچی تلفیق یافته با آرایه‌های کاشی کاری در دوره تیموری و ترکمانان ایران امروزی



شکل ۳. الف) نمایش آلت‌های مقرنس بر روی نقشه (رئیس‌زاده و مفید، ۱۳۷۴) ب) طرح خطی انواع متفاوت آلت تخت/تخته‌های منتظم و غیرمنتظم مورد استفاده در مقرنس‌ها (نگارندگان، ۱۴۰۲)

۳-۵ - مروری کوتاه بر آرایه‌های گچی در دوره تیموری

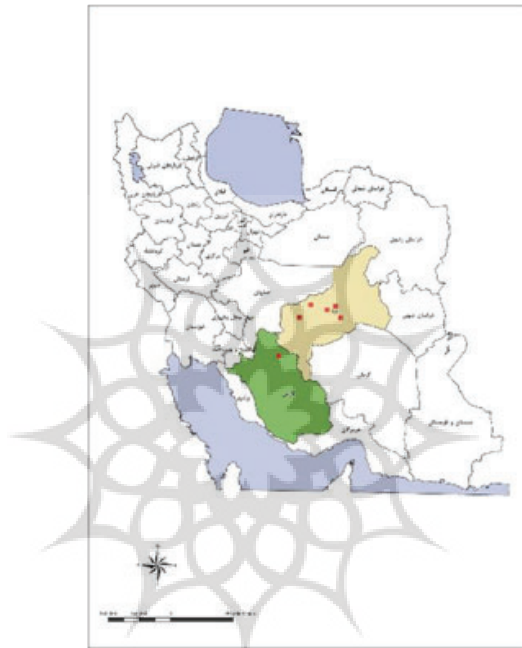
در دوره قبل از تیموریان، یعنی عهد ایلخانی، کاربرد آرایه‌های گچ‌بری، رواج فوق‌العاده‌ای داشت. این شیوه تزئینی، از گستردگی و تنوع زیادی برخوردار می‌شود و سطوح بسیاری از بناهای این دوره، با انواع گوناگونی از تکنیک‌های اجرایی، نقوش و طرح‌های گیاهی و هندسی آراسته می‌شود. در دوره تیموری، به دو شیوه از گچ، برای تزئین سطوح استفاده می‌کردند. در روش اول که ادامه یافته سبک گچ‌بری ایلخانی بود؛ به صورت برجسته اجرا می‌شد (O'Kane, 2007)، از آن جمله می‌توان به امامزاده ابراهیم قم (رحمتی، ۱۳۹۱)، امامزاده حسین رضا ورامین (O'Kane, 1978)، مسجد معصوم کوهپایه (شکل ۴ الف - ب)، مدرسه دودر مشهد (O'Kane, 1995)، مسجد جامع ورامین (شکل ۴ ج)، فضای مرکزی بنای موسوم به شربت‌خانه/چهار صفا در افوشته نطنز (شکل ۴ د) و ... اشاره داشت. نوع دیگر کاربرد گچ در این عصر، استفاده از روکش گچی در بخش‌های وسیعی با سطح صاف بوده است، معمول آن بود که روکاری‌هایی از گچ سفید با ضخامت ۳ تا ۶ سانتی‌متر بر روی روکش تیره‌تر گچ یا کاهگل (گل آمیخته با کاه) به ضخامت تقریباً سه سانتی‌متر اجرا می‌کردند. از این نوع، هم در قسمت‌های داخلی و در بعضی مواقع در بخش‌های خارجی بناها و گاهی در هر دو سطح داخلی و خارجی استفاده می‌شد (ویلبر و گل‌مبک، ۱۳۷۴). برخی از حجره‌های مدرسه غیاثیه خرگرد (O'Kane, 1976)، بسیاری از بناهای منطقه یزد (افشار، ج ۱، ۱۳۵۴) و ... از آن جمله به شمار می‌رود. همچنان‌که در دوره تیموری گرایش به پوشش کامل سطوح داخلی با گچ و نیز سکنج‌ها و مقرنس‌ها، به صورت لایه‌های گچی دیده می‌شود (اوکین، ۱۳۸۶). بناهایی همانند گنبدخانه مسجد گوهرشاد مشهد (ویلبر و گل‌مبک، ۱۳۷۴)، مدرسه غیاثیه خرگرد (شکل ۴ هـ)، بقعه زین‌الدین ابوبکر تایب‌ادی (شکل ۴ و)، از جمله بناهای شاخصی هستند که در آن‌ها، مقرنس‌های گچی ظریف و پرکاری به اجرا درآمده است. علاوه‌براین، در تعدادی از بناهای این عصر، شاهد مقرنس‌های گچی هستیم که در آن‌ها، مقرنس با کاشی معرق (اغلب در ترکیب با لعاب‌پران)، زینت یافته است که در همین راستا، معرفی و تبیین می‌شوند.



شکل ۴. گچ‌بری برجسته در الف - ب) مسجد معصوم کوهپایه ج) مسجد جامع ورامین د) فضای مرکزی بنای موسوم به شربت‌خانه افوشته نطنز. نمونه‌ای از مقرنس‌های گچی دوره تیموری هـ) مدرسه غیاثیه خرگرد و) بقعه زین‌الدین ابوبکر تایب‌ادی (نگارندگان، ۱۴۰۲)

۳-۶ - جامعه آماری و پراکندگی آثار دارای مقرنس‌های گچی در تلفیق با کاشی

در این مقاله، به منظور پاسخ‌گویی به سؤالات و اهداف تبیین شده؛ ۷۰ بنای مربوط و منسوب به ادوار تیموری و ترکمانان در ایران کنونی، مورد مطالعه میدانی و کتابخانه‌ای قرار گرفته است. در بررسی و مطالعه این جامعه آماری، تنها در ۶ بنا از ۲ استان، این نوع آرایه (مقرنس‌های گچی تلفیق یافته با کاشی) یافت شد که همین امر بر منحصر به فرد بودن آرایه نام برده در این منطقه از کشور، در ادوار مذکور تأکید دارد. شش بنای شناسایی شده مشتمل بر مسجد سرریگ، مسجد جامع ابرندآباد، مسجد مجموعه سلطنتی بوندآباد اشکذر، مسجد جامع فیروزآباد میبد، گنبد مصلی عتیق، همگی در استان یزد و نیز امامزاده شهداء/سلطان ابراهیم صفاشهر در استان فارس است. چنان‌که در نقشه نیز مشاهده می‌شود، بیشترین پراکندگی آثار دارای مقرنس‌های گچی مزین به کاشی، به استان یزد (شهرهای یزد، میبد، اشکذر) و در مرتبه بعد صفاشهر در شمال استان فارس که به ناحیه مذکور بسیار نزدیک است، اختصاص دارد (شکل ۵)².



شکل ۵. نقشه پراکندگی آثار مقرنس‌های گچی مزین به کاشی، در ابنیه دوره تیموری و ترکمانان ایران (نگارنگان، ۱۴۰۲)

۳-۷ - معرفی ابنیه دارای مقرنس‌های گچی تلفیق یافته با کاشی ادوار تیموری و ترکمانان و مطالعه تحلیلی

تطبیقی کاشی‌کاری‌های موجود در آن‌ها

به منظور بررسی مقرنس‌های گچی مزین به کاشی در بناهای دوره تیموری و ترکمانان، تعداد ۶ بنا از ۲ استان شناسایی شد که عبارت‌اند از مسجد سرریگ یزد، مسجد جامع ابرندآباد، مسجد مجموعه سلطنتی بوندآباد اشکذر، مسجد جامع فیروزآباد، گنبد مصلی عتیق، همگی در استان یزد و همچنین امامزاده شهداء صفاشهر در استان فارس که در ادامه معرفی خواهد شد. همچنین آرایه‌های کاشی موجود در آن‌ها، مورد بررسی و نیز مطالعه تحلیلی تطبیقی با نمونه‌های مشابه خود، در دیگر ابنیه دوران تیموری و ترکمانان، از لحاظ طرح، نقش، کتیبه و رنگ‌بندی لعاب قرار خواهد گرفت.

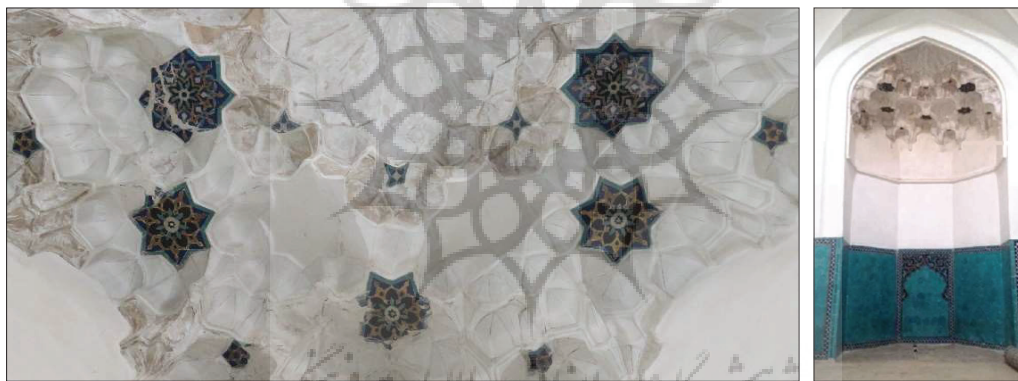
۳-۷-۱ - مسجد سرریگ یزد و مطالعه تحلیلی تطبیقی آرایه‌های کاشی‌کاری آن

مسجد سرریگ در گذشته درحاشیه شهر یزد قرار داشته ولی هم‌اکنون در بافت شهر، در خیابان قیام، جنب بازار واقع شده است. این مسجد در دوره‌های مختلف تعمیرات و تغییراتی به خود دیده است که باعث شده، در منابع گوناگون تاریخ‌های متعددی، در

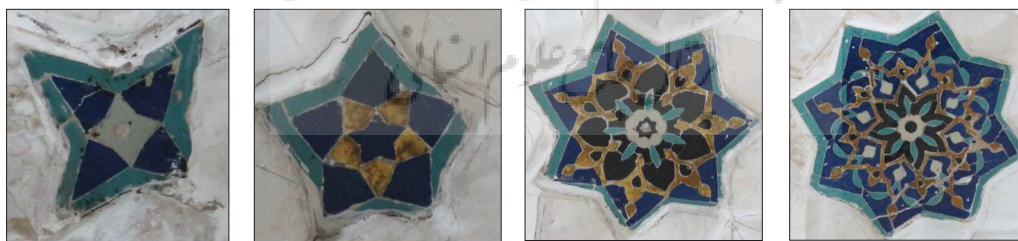
زهرا راشدنیا

تحلیلی تطبیقی بر ابنیه دارای مقرنس‌های گچی تلفیق یافته با آرایه‌های کاشی‌کاری در دوره تیموری و ترکمانان ایران امروزی

مورد آن، ارائه کنند، تاریخ‌های ذکرشده در منابع، در بازه زمانی اواخر قرن هشتم هـ. ق تا نیمه‌های دوم قرن نهم هـ. ق (۸۶۰ هـ. ق) است (جعفری، ۱۳۴۳؛ کاتب یزدی، ۱۳۴۵). بقایای فعلی مسجد مشتمل است بر؛ صحنی کوچک و مستطیل شکل که در دو طرف اضلاع آن رواق‌هایی در دو طبقه واقع شده، شبستان و همچنین گنبدخانه است. در شبستان بزرگ جنب گنبدخانه، ازاره‌های ضلع قبله و محراب آن، پوشیده از کاشی‌های شش‌ضلعی (گره شش لانه زنبوری/ شش‌ضلعی منتظم) فیروزه‌ای‌رنگ است. در قسمت مرکزی محراب‌نما، یک طرح محرابی دالبری شکل وجود دارد که لچکی‌های آن، با کاشی معرق و تزئین طلاچسبان و نقوش گیاهی زینت یافته است. طاق محراب مذکور، با مقرنس‌های گچی زیبای کار شده که سطوح افقی این مقرنس‌ها، با کاشی معرق پوشش یافته است (شکل ۶ الف - ب). از آلت تخت/تخته‌های دربردارنده کاشی‌کاری موجود در مقرنس‌های گچی مسجد سرریگ، در مجموع ۱۲ مورد باقی مانده که به‌نظر می‌رسد دراصل ۱۴ عدد بوده، که ۲ (شمسه هشت) نمونه از این سطوح افقی، فاقد تزئین کاشی‌کاری است، که احتمالاً به مرور زمان یا به دلایلی دیگر از بین رفته و هم‌اکنون با گچ پوشیده شده است (شکل ۶ ب). ششمه هشت/ ششمه ایرانی (۲ مورد)، ششمه هفت‌پر (۳ مورد)، ستاره یا پنج‌پری (۴ مورد) و ستاره چهارپَر/ چهارلنگه (۲ مورد)، ستاره چهارپَر (۱ مورد) از آن جمله به شمار می‌رود (شکل ۶ ج - و). کاشی‌های مزبور بیشتر با تکنیک معرق و در نمونه‌هایی با تکنیک تلفیقی معرق و لعاب‌پران و به رنگ‌های فیروزه‌ای، لاجوردی، سفید، حنایی و سیاه به اجرا درآمده‌اند. البته قابل ذکر است در برخی نمونه‌ها که دارای لعاب حنایی هستند، به‌صورت طلاچسبان تزئین شده‌اند (شکل ۷ الف). علاوه‌براین مسجد، بقایایی از آرایه‌های طلاچسبان^۴ بر روی لعاب حنایی، در دو بنای مسجد مجموعه سلطان بُندَرآباد (شکل ۷ ب) و گنبد مصلی عتیق (شکل ۷ ج) نیز موجود است. نقش مایه‌های تشکیل‌دهنده این کاشی‌ها شامل نقوش گیاهی (نقش مایه‌های ختایی و اسلیمی) که بخش اعظمی را به خود اختصاص داده و نیز نقوش ساده هندسی است. عناصر ختایی به کار رفته در این کاشی‌ها، نظیر برگ و گل‌های چندپَر (گل‌های هفت‌پَر، هشت‌پَر) همانند بسیاری از نمونه‌های تیموری است و با آن‌ها مطابقت دارد.



الف



و

ه

د

ج

شکل ۶. الف) نمای از محراب مسجد سرریگ یزد ب) بخشی از مقرنس‌های گچی طاق محراب ج - و) اشکال هندسی کاشی معرق (ترکیب با لعاب‌پران) موجود در مقرنس‌های گچی طاق محراب مسجد سرریگ (نگارندگان، ۱۴۰۲)

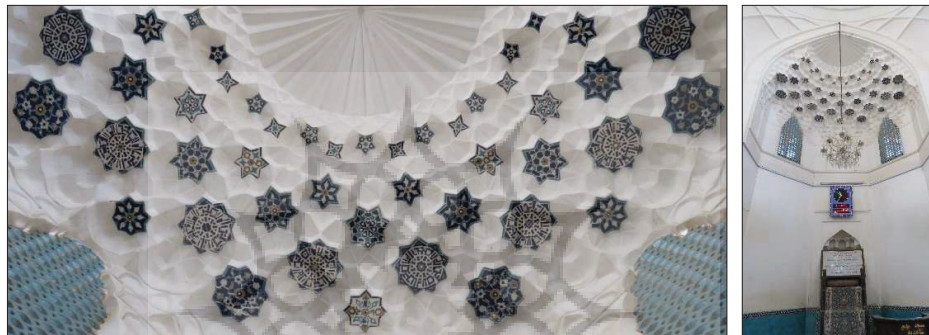


(ج)

(ب)

(الف)

شکل ۷. آرایه‌های طلاچسبان بر روی لعاب حنایی در الف) محراب مسجد سرریگ ب) مسجد مجموعه سلطان بُندرآباد ج) گنبد مصلی عتیق (نگارندگان، ۱۴۰۲)



(ب)

(الف)



(ج)

(ز)

(و)

(ه)

(د)

(ج)



(س)

(ن)

(م)

(ل)

(ک)

(ی)

(ط)

شکل ۸. الف) محراب گنبدخانه ب) مقرنس‌های گچی طاق محراب مسجد جامع ابرندآباد ج - س) اشکال هندسی کاشی موجود در مقرنس‌های گچی طاق محراب مسجد جامع ابرندآباد (نگارندگان، ۱۴۰۲)

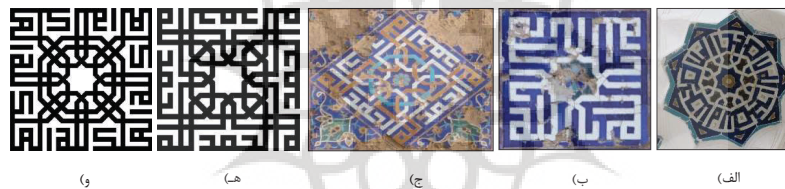
۳-۷-۲- مسجد جامع ابرندآباد یزد و مطالعه تحلیلی تطبیقی آرایه‌های کاشی کاری آن

مسجد جامع ابرندآباد، در محله توده ابرندآباد، مرکز شهر شاهدیه از توابع بخش مرکزی شهرستان یزد و در ده کیلومتری آن قرار دارد. در محل کنونی مسجد، خانقاهی از اوایل قرن هشتم هـ. ق قرار داشته که توسط سید رکن‌الدین قاضی یزدی بنا شده بود (حسینی یزدی، ۱۳۴۱؛ مصطفوی، ۱۳۴۳) و بنای مسجد حاضر، متعلق به نیمه قرن نهم هـ. ق مشتمل بر یک صحن کوچک، ایوان قبله و گنبدخانه‌ای است که طرفین آن، دو تالار دراز قرار دارد (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴). در قسمت فوقانی محراب گنبدخانه، مقرنس‌های

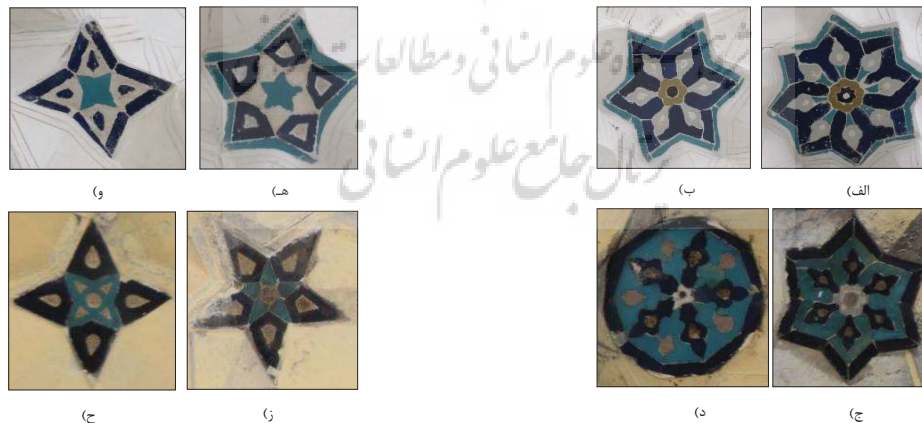
زهراراشدنیا

تحلیلی تطبیقی بر ابنیه دارای مقرنس‌های گچی تلفیق یافته با آرایه‌های کاشی کاری در دوره تیموری و ترکمانان ایران امروزی

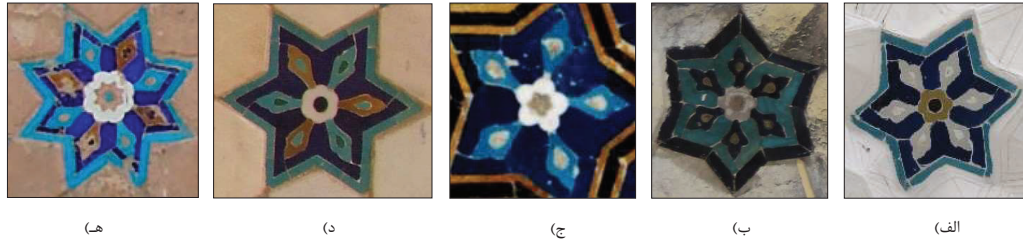
گچی در تلفیق با کاشی به اشکال مختلف هندسی پوشیده شده است (شکل ۸ الف - ب). آلت تخت/تخته‌های موجود در مقرنس‌های گچی این مسجد، در مجموع ۴۵ عدد که با کاشی زینت یافته است. تخت/تخته‌های بنای مذکور، از نوع منظم و شامل شمسه نُپَر (دوازده عدد)، شمسه هشت‌پَر (سه عدد)، شمسه هفت‌پَر (هفت عدد)، ستاره شش‌پَر (هشت عدد)، ستاره پنج‌پَر (هفت عدد) و ستاره چهارپَر (هشت عدد) است (شکل ۸ ج - س). کاشی‌های این مسجد با تکنیک معرق در تلفیق با لعاب‌پران^۵ به رنگ‌های فیروزه‌ای، لاجوردی، سفید، خنایی، سیاه اجرا شده است. نقوش تشکیل‌دهنده این کاشی‌ها مشتمل است بر نقوش گیاهی نظیر عناصر ختایی (گل، برگ و غنچه)، نقوش ساده و پیچیده هندسی و همچنین بخشی از این کاشی‌ها، در بردارنده کتیبه هستند. هشت مورد از شمسه‌های نُپَر، دارای کتیبه که از تکرار سه مرتبه عبارت «القدره لله» خط کوفی بنایی شکل یافته که در مرکز به گره (نقش هندسی هشت) تبدیل شده است (شکل ۹ الف). مشابه این دسته از آرایه‌ها که در مرکز به نقش هندسی هشت تبدیل می‌شود، در سایر بناهای دوره تیموری از جمله مدرسه غیاثیه خرگرد (کلمه الحمدلله؛ چهار مرتبه/ کلمه یا الله؛ چهار مرتبه) (شکل ۹ ب-ج)، بقعه خواجه ابونصر پارسا در بلخ (کلمه الحمدلله؛ چهار مرتبه) (شکل ۹ هـ)، کاخ آق‌سرای در شهر سبز (کلمه الملک‌الله؛ چهار مرتبه) نیز می‌توان مشاهده کرد (شکل ۹ و). آرایه‌های کاشی‌کاری این بنا، نسبت به سایر بناهای مورد مطالعه در این پژوهش از نظر نقوش، دارای تنوع بیشتر و همچنین تنها نمونه مورد بررسی در این پژوهش بوده که در بردارنده کتیبه است. همچنین از حیث نقش مایه‌های گیاهی و هندسی، بیشترین تشابه را با نقوش کاشی‌های امامزاده شهداء صفاشهر دارد (شکل ۱۰ الف - ح). نقوش ختایی این کاشی‌کاری‌ها از جمله گل‌های چندپَر، برخی برگ‌ها و غنچه‌ها، نیز با سایر آرایه‌های کاشی‌کاری جامعه آماری این مقاله و نیز بسیاری از بناهای عصر تیموری و ترکمانان مطابقت دارد. به‌عنوان نمونه، گل شش‌پری که در رأس هر گلبرگ آن با نقش مایه‌ای شبه گل/ غنچه/ برگ ماندی تزئین شده است، می‌توان نام برد (شکل ۱۱ الف) که مشابه آن در بناهای بازه زمانی مدنظر در ایران همانند امامزاده شهداء صفاشهر (شکل ۱۱ ب)، مسجد شاه مشهد (شکل ۱۱ ج)، مدرسه غیاثیه خرگرد (شکل ۱۱ د) و همچنین شرق قلمرو تیموریان، آرامگاه خواجه‌عبدالله انصاری هرات می‌توان دید (شکل ۱۱ هـ).



شکل ۹. تبدیل کتیبه در مرکز به گره (الف) محراب مسجد جامع آبرندآباد ب-ج) مدرسه غیاثیه خرگرد هـ) بقعه خواجه ابونصر پارسا بلخ و کاخ آق‌سرای در شهر سبز (کلمه الملک‌الله؛ چهار مرتبه) (نگارندگان، ۱۴۰۲)



شکل ۱۰. تشابه نقوش گیاهی در کاشی‌کاری‌های دو بنای الف - ب) مسجد جامع آبرندآباد ج - د) امامزاده شهداء صفاشهر تشابه نقوش هندسی در کاشی‌کاری‌های دو بنای هـ - و) مسجد جامع آبرندآباد ز - ح) امامزاده شهداء صفاشهر (نگارندگان، ۱۴۰۲)



شکل ۱۱. تشابه نقش مایه ختایی در آرایه‌های کاشی‌کاری با سایر ابنیه دوره تیموری الف) مسجد جامع ابرن‌آباد ب) امامزاده شهداء صفاشهر ج) مسجد شاه مشهد د) مدرسه غیاثیه خرگرد (نگارندگان، ۱۴۰۲ هـ) آرامگاه خواجه عبدالله انصاری هرات (Aube et al, 2020:20)

۳-۷-۳- مسجد مجموعه سلطان بُندرآباد اشکذر یزد و مطالعه تحلیلی تطبیقی آرایه‌های کاشی‌کاری آن

مجموعه سلطان بُندرآباد، متشکل از مسجد بزرگ (جامع)، حسینیه/خانقاه، آرامگاه/بقعه، مسجد زمستانه، حمام، آب‌انبار و ... در روستای بُندرآباد اشکذر، در استان یزد واقع شده است. مسجد بزرگ مجموعه که مقرنس‌های گچی محراب در آن موجود است، با توجه به طرح و ساخت خود مسجد و همچنین آرایه‌های آن، تاریخ تقریبی مابین ۸۴۴ تا ۸۷۵ هـ. ق (نیمه قرن نهم هـ. ق تا ربع اول نیمه دوم قرن نهم هـ. ق) را برای آن در نظر گرفته‌اند (ویلیبر و گلمبیک، ۱۳۷۴). در گنبدخانه مسجد بزرگ مجموعه، محرابی کاشی موجود است که در قسمت بالای آن (طاق)، مقرنس‌های گچی، با آرایه‌های کاشی‌کاری معرق آراسته شده است (شکل ۱۲ الف - ب). کاشی‌های محراب این مسجد شامل ۳۹ مورد با تکنیک معرق و لعاب‌پران و به رنگ‌های فیروزه‌ای، لاجوردی، سفید وحنایی در سه ردیف افقی نصب شده‌اند. در برخی نمونه‌ها، بقایای اندکی از آرایه‌های طلاچسبان بر روی لعاب‌حنایی کاشی‌ها نیز مشاهده می‌شود.^۶ نقوش این کاشی‌ها عبارت‌اند از نقش مایه‌های گیاهی شامل عناصر ختایی (گل، برگ و غنچه) و اسلیمی، نقوش هندسی ساده و در نمونه‌هایی شامل ترکیب نقوش گیاهی و هندسی. کاشی‌های تلفیق یافته با مقرنس‌های گچی این بنا مشتمل است بر: شمسه هشت/شمسه ایرانی (هفت مورد)، شمسه هفت‌پر (هشت مورد)، ستاره پنج‌پر/پنج‌پری (هفت مورد)، ستاره چهارپر/چهارلنگ هفده مورد که در دو اندازه مختلف و در نقش‌ها و رنگ‌های گوناگون دیده می‌شوند (شکل ۱۲ ج - ح). قابل ذکر است که اجزای ختایی (گل‌ها، برگ‌ها و غنچه‌ها) کاشی‌کاری این بنا، قابل قیاس با سایر نمونه‌های مورد بررسی در این مقاله است. به‌عنوان مثال گل‌های ختایی چهارپری که به رنگ‌های حنایی و سفید مشاهده می‌شود، در رأس هر گلبرگ به یک برگ منتهی می‌شود (شکل ۱۳ الف - ب) که نمونه‌های مشابه آن در کاشی‌های گنبد مصلی عتیق (شکل ۱۳ ج - د)، مسجد سرریگ می‌توان دید (شکل ۱۳ هـ). افزون‌براین، این وجه تشابه، در کاشی‌کاری‌های دیگر بناهای عصر تیموریان و ترکمانان نیز دیده می‌شود، از جمله این نمونه‌ها، لچکی نورگیرهای ایوان‌های بنای موسوم به شربت‌خانه در افوشته نطنز (شکل ۱۴ الف)، منبر مسجد خضرشاه یزد و ... را می‌توان برشمرد (شکل ۱۴ ب). علاوه‌بر ایران امروزی، این وجه اشتراک در بناهای سرزمین‌های شرقی قلمرو تیموری از قبیل گورامیر در سمرقند (شکل ۱۴ ج)، بقعه شاهزاده عبدالله بن معاویه هرات (شکل ۱۴ د)، آرامگاه خواجه عبدالله انصاری گازرگاه هرات نیز موجود است (شکل ۱۴ هـ).

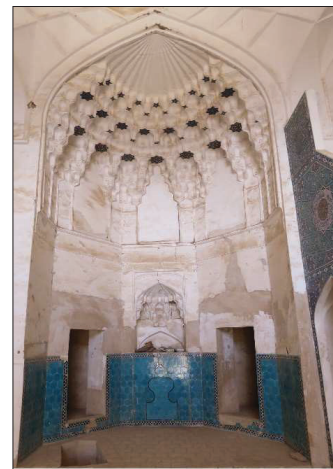


زهرا راشدنیا

تحلیلی تطبیقی بر ابنیه دارای مقرنس‌های گچی تلفیق یافته با آرایه‌های کاشی‌کاری در دوره تیموری و ترکمانان ایران امروزی



(ب)



(الف)



(ج)



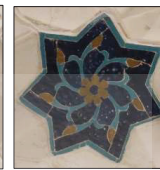
(د)



(ه)



(و)

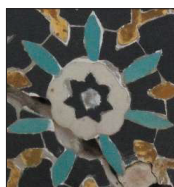


(ز)

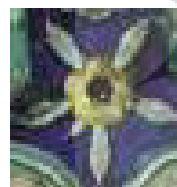


(ح)

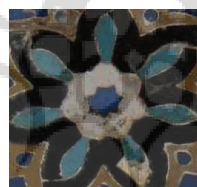
شکل ۱۲. الف - ب) نمایی از محراب و مقرنس های گچی طاق محراب مسجد بزرگ مجموعه سلطان بُندرآباد ج - ح) اشکال هندسی کاشی معرق (ترکیب با لعاب پزان) موجود در مقرنس های گچی طاق محراب مسجد بزرگ مجموعه سلطان بُندرآباد (نگارندگان، ۱۴۰۲)



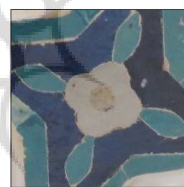
(الف)



(ب)



(ج)



(د)



(ه)

شکل ۱۳. گل های ختایی چندپَر که در رأس هر گلبرگ آن به یک برگ ختم می شود الف - ب) مسجد بزرگ (جامع) مجموعه سلطان بُندرآباد ج - د) گنبد مصلی عتیق ه) مسجد سرریگ (نگارندگان، ۱۴۰۲)



(الف)



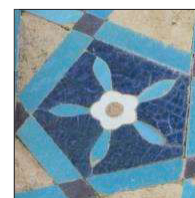
(ب)



(ج)



(د)

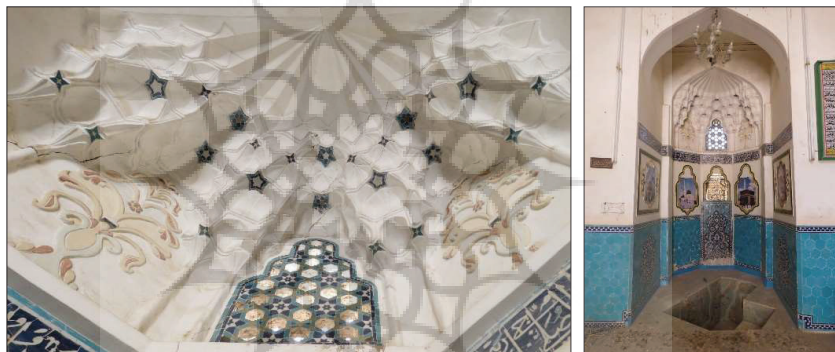


(ه)

شکل ۱۴. گل های چندپَر که رأس هر گلبرگ آن به یک برگ ختم می شود الف: بنای موسوم به شربت خانه افوشته ب: منبر مسجد خضرشاه (نگارندگان، ۱۴۰۲) ج) گورامیر (URL 1) د) بقعه شاهزاده عبد الله بن معاویه (Aube et al., 2020,20) ه) آرامگاه خواجه عبدالله انصاری (نیک محمد مستندغوری، ۱۴۰۱)

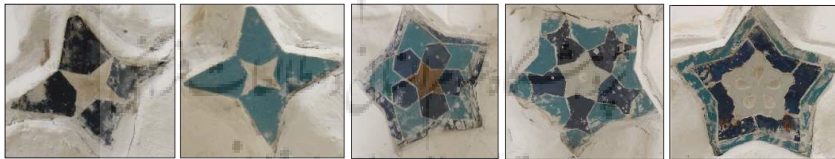
۳-۷-۴- مسجد جامع فیروزآباد میبد و مطالعه تحلیلی تطبیقی آرایه‌های کاشی‌کاری آن

مسجد جامع فیروزآباد از بناهای تاریخی شهرستان میبد در محله‌ای به همین نام در استان یزد قرار دارد. این مسجد به دلیل کتیبه کاشی‌کاری تاریخ‌دار در بخش فوقانی محراب (۸۶۶ هـ. ق)، متعلق به دوره تیموری و ترکمانان، مشتمل بر صحن، ایوان، گنبدخانه و شبستانی مستطیل شکل است. گنبدخانه دارای کاشی‌های شش‌ضلعی فیروزه‌ای، محرابی که با کاشی معرق شامل طرح و نقوش گیاهی اجرا شده است که در قسمت بالای آن کتیبه‌ای کمربندی با کاشی معرق مشاهده می‌شود و همچنین در فضای بالای کتیبه مزبور با مقرنس‌های گچی آراسته با کاشی معرق دیده می‌شود (شکل ۱۵ الف - ب). مشخصات کاشی‌های مقرنس‌های گچی محراب این مسجد، از این قرار است: ستاره یا پنج‌پری (۱۰ مورد) با سه نوع تزئین مختلف و ستاره چهارپَر/ چهارلنگه (۱۳ مورد) که در اصل ۱۴ مورد بوده که یکی از آن‌ها، هم‌اکنون موجود نیست. ستاره‌های چهارپَر/ چهارلنگه در طاق این محراب در دو اندازه بزرگ (فیروزه‌ای) و کوچک (لاجوردی)، به چشم می‌خورند (شکل ۱۵ ج - ز). کاشی‌ها، با تکنیک معرق و در نمونه‌هایی با تکنیک تلفیقی معرق و لعاب‌پران، به رنگ‌های فیروزه‌ای، لاجوردی، سفید و حنایی به اجرا درآمده‌اند و با نقش مایه‌های گیاهی (گل ختایی) و هندسی ساده و پیچیده (گره) تزئین شده‌اند. نقوش تشکیل‌دهنده کاشی‌های مسجد جامع فیروزآباد، برخلاف مسجد سرریگ و مسجد بزرگ (جامع) مجموعه سلطان بُندرآباد، بیشتر شامل نقوش هندسی می‌شود. در مرکز کاشی‌های چهارپَر یا چهارلنگه این مسجد نیز (شکل ۱۶ الف - ب)، با ستاره چهارلنگه دیگری مزین شده که قابل قیاس با کاشی‌های گنبد مصلی عتیق (شکل ۱۶ ج)، مسجد سرریگ (شکل ۱۶ د) و همچنین مسجد جامع ابرندآباد است (شکل ۱۶ هـ).



(ب)

(الف)



ز

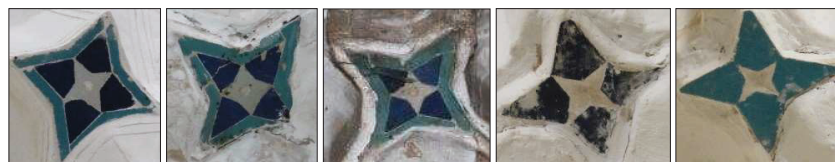
(و)

(هـ)

(د)

(ج)

شکل ۱۵. الف - ب) نمایی از محراب و مقرنس‌های گچی طاق محراب مسجد جامع فیروزآباد میبد ج - ز) اشکال هندسی کاشی موجود در مقرنس‌های گچی طاق محراب مسجد جامع فیروزآباد میبد (نگارندگان، ۱۴۰۲)



(هـ)

(د)

(ج)

(ب)

(الف)

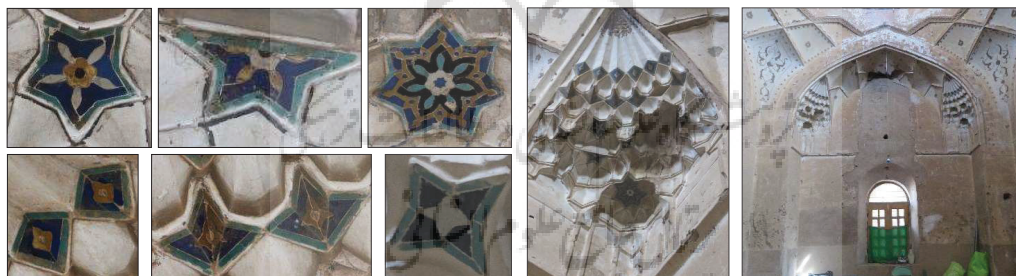
شکل ۱۶. مزین شدن مرکز ستاره چهارپَر با نقش مایه چهارلنگه در الف - ب) مسجد جامع فیروزآباد میبد ج) گنبد مصلی عتیق د) مسجد سرریگ یزد هـ) مسجد جامع ابرندآباد (نگارندگان، ۱۴۰۲)

زهرا راشدنیا

تحلیلی تطبیقی بر ابنیه دارای مقرنس‌های گچی تلفیق یافته با آرایه‌های کاشی‌کاری در دوره تیموری و ترکمانان ایران امروزی

۳-۷-۵- گنبد مصلی عتیق یزد و مطالعه تحلیلی تطبیقی آرایه‌های کاشی‌کاری آن

بقعه یا گنبد مصلی عتیق، در ضلع شرقی بلوار امامزاده جعفر، در محله مصلی عتیق یا به اصطلاح عامه، محله گودال مصلی جنب حسینیه مصلی عتیق قرار دارد. این بنا فاقد هرگونه کتیبه تاریخی ساخت، نام بانی، هنرمند و ... است ولی به دلیل مشابهت معماری و آرایه‌های آن، با بناهای عصر تیموریان، به این دوره، منسوب شده است (خادمزاده، ۱۳۸۹). بنای مذکور دارای تزئیناتی همچون گچ‌بری، نقاشی روی گچ، آرایه‌های طلاچسبان روی گچ، کاشی‌کاری و همچنین کاشی‌کاری معرق که در تلفیق با مقرنس‌های گچی مورد استفاده قرار گرفته است. بنا شامل یک گنبدخانه است که چهار طاق‌نما در چهار ضلع آن قرار دارد. چهار طاق‌نمای گنبدخانه در رأس نیم‌گنبد خود دارای مقرنس‌هایی با طرح شاپرکی هستند و دورِ ربع گنبد اطراف آن، با مقرنس‌های گچی تزئین شده است (خادمزاده، ۱۳۸۹). در چهار ضلع گنبدخانه چهار طاق‌نما موجود است که مقرنس‌هایی گچی، در طرفین هر طاق‌نما قرار دارد. سطوح افقی (تخت/تخته) و همچنین برخی دیگر از اجزای تشکیل دهنده مقرنس‌های گچی (مانند ترنج)، در طاق‌نماهای جنوبی، غربی و شرقی، با کاشی پوشیده است (شکل ۱۷ الف - ب). در طاق‌نمای ضلع جنوبی در مجموع ۵ عدد، طاق‌نمای ضلع غربی ۲۰ عدد، طاق‌نمای ضلع شرقی ۳۴ عدد و طاق‌نمای ضلع شمالی فاقد کاشی است. طبق آمار ذکر شده بیشترین کاشی باقی‌مانده در مقرنس‌ها متعلق به طاق‌نمای شرقی است. ششمه هفت‌پر، ستاره شش‌پر (به شکل نیمه)، ستاره پنج‌پر، ستاره چهارپر یا چهارلنگه، ترنج و سه‌پری از جمله اجزای مقرنس هستند که با کاشی در مقرنس‌های گچی طاق‌نماهای مذکور دیده می‌شوند (شکل ۱۷ ج). کاشی‌ها، با تکنیک معرق و همچنین معرق در تلفیق با لعاب‌پران و در برخی نمونه‌ها به شیوه طلاچسبان، به رنگ‌های فیروزه‌ای، لاجوردی، سفید، سیاه و حنایی به اجرا درآمده‌اند. نقوش به کار رفته در این کاشی‌ها عبارت‌اند از نقوش گیاهی شامل عناصر ختایی (برگ و گل‌های چندپر)، اسلیمی و همچنین نقوش ساده هندسی است. گل‌های چندپر این بنا، چنان‌که در قسمت‌های قبل ذکر شد، از نوع گل‌های ختایی چندپر است که در بسیاری از کاشی‌کاری‌های دوره تیموری و ترکمانان به وفور مشاهده می‌شود (شکل ۱۸ الف - ن). از جمله این نمونه‌ها می‌توان به مسجد جامع ورزنه اصفهان (شکل ۱۸ الف - ج) سردر خانقاه نصرآباد اصفهان (شکل ۱۸ د - و) بنای موسوم به شربت‌خانه/ چهارصفه افوشته نطنز (شکل ۱۸ ز) مسجد شاه مشهد (شکل ۱۸ ح - ط) مدرسه دودر مشهد (شکل ۱۸ ی) مدرسه غیاثیه خرگرد (شکل ۱۸ ک) بقعه زین‌الدین ابوبکر تایبادی (شکل ۱۸ ل) «گنبد سبز/ گنبد فیروزشاهی» مجموعه شیخ تربت‌جام (تصویر ۱۸م) امامزاده شهداء صفاشهر استان فارس (شکل ۱۸ن) و ... اشاره کرد. علاوه‌براین، نمونه‌ای دیگر از گل‌های ختایی چندپر در این بنا (شکل ۱۷ ج)، شامل گل‌های چندپری است که در رأس هر گلبرگ خود، به یک برگ ختم می‌شود (شکل‌های ۱۳ - ۱۴).

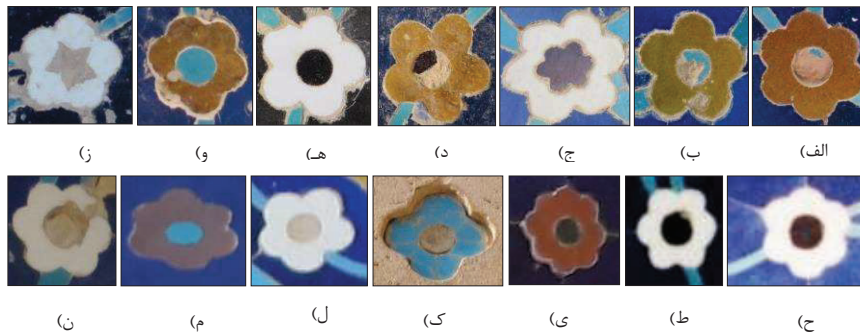


ج

ب

الف

شکل ۱۷. الف) طاق‌نمای ضلع شرقی ب) جزئیاتی از مقرنس گچی و ج) اشکال هندسی کاشی معرق (ترکیب با لعاب‌پران) موجود در مقرنس‌های گچی موجود در طاق‌نماهای گنبد مصلی عتیق (نگارندگان، ۱۴۰۲)



شکل ۱۸. گل‌های ختایی چندپَر در الف - ج) مسجد جامع ورزنه د- و) سردر خانقاه نصرآباد اصفهان ز) بنای موسوم به شربت‌خانه افوشته ح - ط) مسجد شاه مشهد ی) مدرسه دودر مشهد ک) مدرسه غیاثیه خرگرد ل) بقعه زین‌الدین ابوبکر تایبادی م) «گنبد سبز/ گنبد فیروزشاهی» مجموعه شیخ تربت‌جام ن) امامزاده شهدا صفاشهر (نگارندگان، ۱۴۰۲)

۳- ۷- ۶- امامزاده شهداء / سلطان ابراهیم صفاشهر و مطالعه تحلیلی تطبیقی آرایه‌های کاشی‌کاری آن

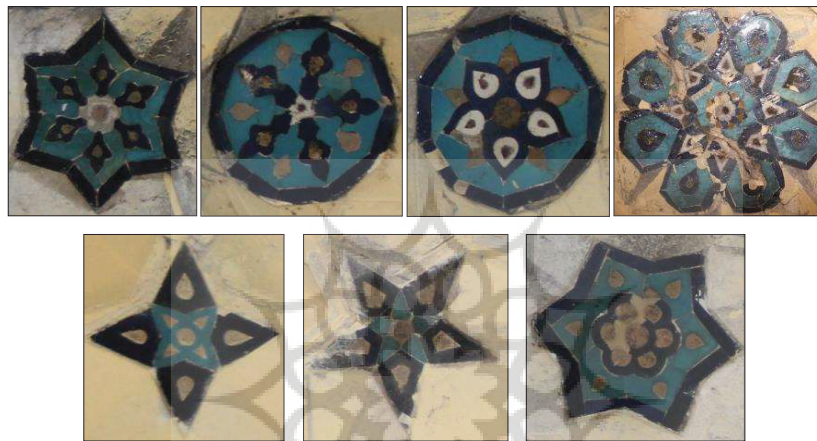
امامزاده شهداء/ سلطان ابراهیم واقع در شهر صفاشهر، مرکز شهرستان خرم‌بید، در بخش خُرمی و در ۱۲ کیلومتری جنوب غربی جاده شیراز - اصفهان، قرار دارد. اثر فوق، فاقد نام بانی و تاریخ ساخت است ولی با توجه به معماری بنا و همچنین آرایه‌های کاشی‌کاری موجود، می‌توان آن را به دوران ترکمانان یا سلطنت تیموریان، منتسب دانست (مصطفوی، ۱۳۴۳؛ ابراهیم‌زاده و صالحی کاخکی، ۱۳۹۷). قسمت‌های زیادی از این بنا، به مرور زمان تخریب شده که هم‌اکنون بخش‌هایی از آن، مرمت شده است. بنای مذکور دارای گنبدخانه‌ای در مرکز - که پوشش آن اکنون از بین رفته است- و چهار شاه‌نشین در اطراف آن، به غیر از شاه‌نشین جنوب غربی، در جوانب خود دارای طاق‌نماهای کوچک‌تری نیز هستند. شاه‌نشین جنوب غربی، بزرگ‌تر از سایر شاه‌نشین‌ها و در پشت آن، شبستانی مربع شکل قرار دارد. شاه‌نشین‌ها با فیلیپوش‌ها، مقرنس‌کاری و کاشی معرق در تلفیق با سنگ پوشیده شده و فضای داخلی امامزاده با آرایه‌هایی همچون کاشی‌کاری و آرایه‌های گچی شامل کتیبه‌ای به قلم ثلث با کاشی معرق در دورتادور بنا و همچنین فضای زیر گنبد با مقرنس‌گچی بی‌نظیری که سطوح افقی آن‌ها، با کاشی معرق زینت یافته است. چنان‌که اشاره شد سقف شبستان یا اتاق مقبره، پوشیده از مقرنس‌های گچی است که کل فضای سقف بقعه را پوشش داده است و در پایان به آرایه‌های گچی بسیار کم‌عمق و طاق‌مانندی ختم می‌شود (شکل ۱۹ الف). کاشی‌های مذکور با تکنیک معرق و لعاب‌پران و به رنگ‌های فیروزه‌ای، لاجوردی، سفید، حنایی به اجرا درآمده‌اند. نقش مایه‌های تشکیل‌دهنده این کاشی‌ها شامل نقوش گیاهی (عناصر ختایی) و هندسی (ساده و پیچیده/ گره) است. اشکال هندسی کاشی موجود در مقرنس‌های گچی این بنا شامل شمسه هشت‌پَر بزرگ یا گره شش‌گُند هشت و چهارلنگه (چهار عدد)، شمسه شش/ شش‌پَری با دو نوع تزئین مختلف (هرکدام هشت عدد)، ده‌ضلعی منتظم با دو نوع تزئین مختلف (هرکدام هشت عدد)، ستاره پنج‌پَری تند (دوازده عدد) و ستاره چهارپَر/ چهارلنگه (شانزده عدد) است (شکل ۱۹ ب). قابل ذکر است در کاشی‌های مقرنس‌های این بنا، نقش مایه اسلیمی و کتیبه موجود نیست. عناصر ختایی کاشی‌کاری این بنا مانند گل‌های چندپَر نظیر گل پنج‌پَر، گل شش‌پَر، گل هشت‌پَر از نوع گل‌های ختایی است که در ادوار تیموری ترکمانان بسیار کاربرد داشته و در اکثر ابنیه این دوران قابل مشاهده است. علاوه‌براین، فرم‌های اشک‌مانند موجود در این آرایه‌ها که اغلب با تکنیک لعاب‌پران اجرا شده در بازه زمانی مورد مطالعه، خیلی رواج داشته و در بسیاری از سطوح کاشی‌کاری این اعصار دیده می‌شود. در کاشی‌کاری تمامی جامعه آماری مورد بررسی در این مقاله، از فرم مذکور غالباً به‌صورت لعاب‌پران استفاده کرده‌اند (شکل ۲۰ الف - ح).

زهرا راشدنیا

تحلیلی تطبیقی بر ابنیه دارای مقرنس‌های گچی تلفیق یافته با آرایه‌های کاشی‌کاری در دوره تیموری و ترکمانان ایران امروزی



(الف)



(ب)

شکل ۱۹. الف) نمای کلی از مقرنس‌های گچی در تلفیق با کاشی در زیر سقف شبستان ب) اشکال هندسی کاشی معرق (ترکیب با لعاب‌پران) موجود در مقرنس‌های گچی در زیر سقف شبستان امامزاده شهداء صفاشهر (نگارندگان، ۱۴۰۲)

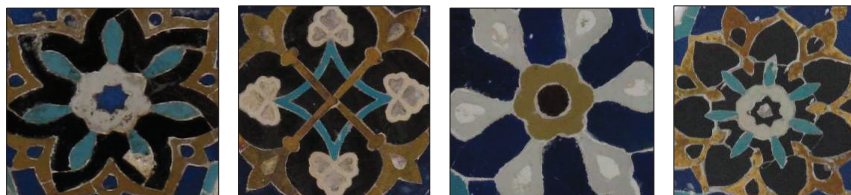


(د)

(ج)

(ب)

(الف)



(ح)

(ز)

(و)

(هـ)

شکل ۲۰. مزین شدن نقوش کاشی‌ها با فرم‌های اشک مانند الف - د) امامزاده شهداء صفاشهر هـ) مسجد سرریگ یزد و مسجد جامع ابرندآباد ز) مسجد مجموعه سلطان بُندرآباد اشکذر یزد ح) گنبد مصلی عتیق یزد (نگارندگان، ۱۴۰۲)

زهراراشدینیا

تحلیلی تطبیقی بر ابنیه دارای مقرنس‌های گچی تلفیق یافته با آرایه‌های کاشی‌کاری در دوره تیموری و ترکمانان ایران امروزی

۳-۸ - جمع‌بندی و تحلیل یافته‌ها

در ادامه، بناهای دارای مقرنس‌های گچی در تلفیق با کاشی در جداولی با مؤلفه‌های گوناگون، آمده است. در جدول اول ویژگی‌هایی از قبیل تاریخ ساخت، نقش مایه‌های موجود در کاشی‌کاری‌ها، تکنیک اجرا، رنگ‌ها و ... به اختصار آورده شده است (جدول ۱). در جدول بعدی به بررسی و مقایسه نحوه چیدمان نقوش کاشی‌ها، تعداد سطوح افقی/تخت/تخته‌ها و نیز تعداد ردیف‌ها/طبقات در بردارنده کاشی‌ها، پرداخته شده است.

نحوه چیدمان نقوش کاشی‌های موجود در تخته‌ها، در ردیف‌های مقرنس‌های گچی، چنان‌که در جدول (۲) دیده می‌شود، در ۶ بنای مورد بررسی، نظم خاصی ندارد. به‌عنوان مثال کاشی‌های ردیف اول در گنبد مصلی عتیق یزد و مسجد مجموعه سلطان بُندرآباد اشکذر با نقوش گیاهی، در مساجد جامع ابرندآباد یزد و فیروزآباد میبد با نقوش هندسی و در دو بنای مسجد سرریگ یزد و امامزاده شهداء صفاشهر با ترکیبی از نقوش گیاهی و هندسی آراسته شده است. سایر ردیف‌ها در ابنیه مورد تحقیق نیز از نظم مشخصی پیروی نمی‌کند و با انواع نقوش گیاهی، هندسی و یا ترکیبی از نقوش گیاهی و هندسی مزین شده‌اند. نکته قابل توجه اینکه، تنها در ردیف ۴ مسجد جامع ابرندآباد، با کتیبه در تزئین تخته‌ها استفاده شده است (جدول ۲).

تعداد ردیف‌ها/طبقات مقرنس‌های در بردارنده کاشی در جامعه آماری مورد پژوهش چنین است: در گنبد مصلی عتیق و همچنین مسجد جامع ابرندآباد که مقرنس آن را جزء مقرنس‌های تقریباً پرکار می‌توان به شمار آورد، در ۵ ردیفه/طبقه کار شده‌اند. در سه بنای مسجد مجموعه سلطان بُندرآباد، مسجد جامع فیروزآباد و مسجد سرریگ، مقرنس‌ها ۳ ردیفه/طبقه که مقرنس‌های مجموعه سلطان بُندرآباد پرکار و مقرنس‌های مساجد جامع فیروزآباد و سرریگ جزء کم‌کارترین مقرنس‌های فهرست مورد بررسی هستند. آرایه‌های کاشی‌کاری در مقرنس‌های پرکار و هنرمندانه امامزاده شهداء صفاشهر در استان فارس در ۲ ردیف/طبقه به اجرا درآمده‌اند (جدول ۳).

به غیر از گنبد مصلی عتیق که مقرنس‌های آن در گوشه‌سازی بنا اجرا شده و به این خاطر تعداد کاشی‌های به کار رفته در آن‌ها نسبت به ۵ بنای دیگر بیشتر است (۵۹ عدد). پُر تعدادترین مقرنس در بردارنده کاشی لیست مورد مطالعه مربوط به بنای امامزاده شهداء صفاشهر است که بیشترین پوشش کاشی را در سطح تخت/تخته‌های آن‌ها می‌توان مشاهده کرد (۴۸ عدد). بعد از این بنا، بیشترین تعداد تخته‌های مزین شده با کاشی به ترتیب به بناهای مسجد جامع ابرندآباد (۴۵ عدد)، مسجد مجموعه سلطان بُندرآباد اشکذر (۳۹ عدد)، مسجد جامع فیروزآباد میبد (۲۳ عدد) اختصاص دارد. کمترین مقرنس حاوی کاشی‌کاری به مسجد سرریگ یزد تعلق دارد که از لحاظ پوشش سطوح افقی/تخت/تخته‌های آن‌ها با کاشی کمترین فضا را به خود اختصاص داده و تعداد آن‌ها ۱۲ عدد است (جدول ۴).

در بازه زمانی مورد پژوهش، شاهد نمونه‌های منحصر به فردی از کاشی‌کاری مانند مقرنس‌های گچی مزین به کاشی هستیم. نمونه‌ای که با بررسی و مطالعه آن‌ها، مبنایی برای شناسایی و تفکیک کاشی‌کاری‌های این منطقه از سایر مناطق دیگر فرمانروایی تیموریان و ترکمانان شد. چنان‌که به نظر می‌رسد ردپایی از سبک محلی/منطقه‌ای را، در آن‌ها می‌توان دید. براساس شواهد موجود که در بالا بدان‌ها اشاره شد، مقرنس‌های گچی مزین با کاشی (معرق اغلب در تلفیق با لعاب‌پران) برای نخستین بار در دوره تیموری و ترکمانان مشاهده شده و در دوره‌های قبل از آن دیده نشده است. با وجود اینکه در قلمرو شرقی ایران و همچنین دیگر نقاط کشور، مقرنس‌های گچی بی‌نظیری وجود دارد ولی هیچ‌کدام در تلفیق با کاشی به کار نرفته‌اند و این نوع تزئین، فقط در ابنیه منطقه یزد و همچنین صفاشهر در شمال استان فارس که به این منطقه بسیار نزدیک است، کاربرد داشته است. به نظر می‌رسد این سبک تزئین خاص این منطقه است و عدم وجود آن در سایر نقاط قلمرو تیموری در ایران، می‌تواند دلیلی باشد بر سبک محلی این نوع تزئین، که تقریباً در یک برهه زمانی و یک ناحیه قرار دارند. علاوه بر این، محدود بودن این دسته از آرایه‌ها، به منطقه‌ای خاص (بخش اعظم در استان یزد و شمال استان فارس ۱ مورد)، می‌تواند نشان‌دهنده الگوها و روش‌های تزئینی خاصی باشد که معمولاً در هر دوره تاریخی و در یک منطقه خاص، مورد علاقه و توجه سازندگان، بانیان و سفارش‌دهندگان آثار هنری قرار می‌گیرد. به احتمال زیاد در این منطقه این سبک آرایه‌ها که اغلب در قسمت بالای (طاق) محراب‌ها مورد استفاده قرار گرفته، یک الگوی رایج بوده که به کار می‌رفته است.

زهراراشدینا

تحلیلی تطبیقی بر ابنیه دارای مقرنس‌های گچی تلفیق یافته با آرایه‌های کاشی‌کاری در دوره تیموری و ترکمانان ایران امروزی



جدول ۱. محل کاربرد مقرنس های گچی و نقش مایه ها، تکنیک اجرا و رنگ های به کار رفته در آرایه های کاشی کاری موجود در مقرنس ها در بناهای دوره تیموری و ترکمانان ایران

نام بنا	موقعیت مکانی (استان - شهرستان - روستا)	تاریخ هـ. ق / دوره	محل کاربرد مقرنس	آرایه ها / نقش مایه های روی کاشی ها					رنگ بندی لعاب در کاشی ها
				گیاهی		هندسی		کتیبه	
				اسلیمی	ختایی	ساده	گره		
مسجد سرریگ	یزد	اواخر قرن هشتم ق تا نیمه دوم قرن نهم ق (۸۶۰ ق)	طاق محراب	*	*	*	—	معرق، لعاب پران، آرایه های طلاچسیان	
مسجد جامع آرتدآباد	یزد - آرتدآباد	نیمه قرن نهم ق	طاق محراب	—	*	*	*	معرق و لعاب پران	
مسجد مجموعه سلطان	یزد - روستای بندرآباد اشکذر	تاریخ تقریبی ۸۴۴ تا ۸۷۵ ق	طاق محراب	*	*	*	—	معرق، لعاب پران، آرایه های طلاچسیان	
مسجد جامع فیروزآباد	یزد - فیروزآباد	۸۶۶ ق	طاق محراب	—	*	*	*	معرق و لعاب پران	
گنبد مصلى عتیق شین	یزد - یزدیزد	منسوب به دوره تیموری	طاق محراب	*	*	*	—	معرق، لعاب پران، آرایه های طلاچسیان	
امامزاده شهداء	فارس - صفاشهر	منسوب به دوره ترکمانان - تیموری	فضای زیر گنبد	—	*	*	*	معرق و لعاب پران	

(نگارندگان، ۱۴۰۲)



جدول ۲. نحوه چیدمان نقوش کاشی های موجود در سطوح افقی / تخت / تخته های مقرنس های گچی تلفیق یافته با کاشی در ابنیه ادوار تیموری و ترکمانان در ایران

نام بنا	گنبد مصلى عتیق یزد	مسجد جامع آرتدآباد یزد	مسجد مجموعه سلطان اشکذر یزد	مسجد جامع فیروزآباد یزد	مسجد سرریگ یزد	امامزاده شهداء صفاشهر
ردیف ۱	نقوش گیاهی	نقوش هندسی	نقوش گیاهی	نقوش هندسی	ترکیب نقوش گیاهی و هندسی	ترکیب نقوش گیاهی و هندسی
ردیف ۲	نقوش گیاهی	ترکیب نقوش گیاهی و هندسی	نقوش گیاهی	ترکیب نقوش گیاهی و هندسی	نقوش گیاهی	ترکیب نقوش گیاهی و هندسی
ردیف ۳	ترکیب نقوش گیاهی و هندسی	ترکیب نقوش گیاهی و هندسی	نقوش گیاهی	نقوش هندسی	نقوش هندسی	—
ردیف ۴	نقوش گیاهی	کتیبه	—	—	—	—
ردیف ۵	نقوش گیاهی	نقوش گیاهی	—	—	—	—

(نگارندگان، ۱۴۰۲)

زهراراشدینیا

تحلیلی تطبیقی بر ابنیه دارای مقرنس های گچی تلفیق یافته با آرایه های کاشی کاری در دوره تیموری و ترکمانان ایران امروزی

جدول ۳. مقایسه تعداد ردیف‌ها/ طبقات مقرنس‌های گچی در بردارنده کاشی در ابنیه ادوار تیموری و ترکمانان در ایران

نام بنا	گنبد مصلی عتیق یزد	مسجد جامع آبرندآباد یزد	مسجد مجموعه سلطان اشکذر یزد	مسجد جامع فیروزآباد میبد یزد	مسجد سرریگ یزد	امامزاده شهداء صفاشهر
تعداد ردیف‌ها	۵ ردیف/طبقه	۵ ردیف/طبقه	۳ ردیف/طبقه	۳ ردیف/طبقه	۳ ردیف/طبقه	۳ ردیف/طبقه
تصویر تعداد ردیف‌ها						

(نگارندگان، ۱۴۰۲)

جدول ۴. مقایسه تعداد سطوح افقی/ تخت/ تخته‌های مقرنس‌های گچی در بردارنده کاشی در ابنیه ادوار تیموری و ترکمانان در ایران

نام بنا	گنبد مصلی عتیق یزد	امامزاده شهداء صفاشهر	مسجد جامع آبرندآباد یزد	مسجد مجموعه سلطان اشکذر یزد	مسجد جامع فیروزآباد میبد یزد	مسجد سرریگ یزد
تعداد اصلی تخته‌های مزین به کاشی	۸۰ عدد	۶۴ عدد	۴۵ عدد	۳۹ عدد	۲۴ عدد	۱۴ عدد
تعداد باقی مانده از تخته‌های مزین به کاشی	۵۹ عدد	۴۸ عدد	۴۵ عدد	۳۹ عدد	۲۳ عدد	۱۲ عدد

(نگارندگان، ۱۴۰۲)



۴. نتیجه‌گیری

این پژوهش با توجه به خاص بودن دسته‌ای از آرایه‌های برجای مانده از ابنیه دوره تیموری و ترکمانان در ایران امروزی است. نتایج مطالعات حاکی از آن است که بناهای دارای مقرنس‌های گچی تلفیق یافته با کاشی، عمدتاً در قسمت فوقانی (طاق) محراب‌ها و در مرتبه بعد به منظور تزئین و پوشاندن طاق‌نماها و فضای داخلی زیر گنبدها کاربرد داشته است. طبق نتایج آماری به دست آمده نیز، بیشتر از تخت/ تخته‌های منتظم از گونه شمسه/ ستاره‌های چندپَر نظیر سه‌پَر، چهارپَر، پنج‌پَر، شش‌پَر، هفت‌پَر و ... (در تمامی جامعه آماری مورد مطالعه با بیشترین درصد کاربرد) و در مرتبه بعد از تخت/ تخته‌های منتظم از نوع چندضلعی‌های منتظم همانند ده‌ضلعی منتظم (فقط در یک بنا؛ امامزاده شهداء صفاشهر) و در نهایت از تخت/ تخته غیرمنتظم مانند ترقه/ سه‌پَری استفاده شده است. علاوه بر این در یک مورد از نمونه‌های مورد مطالعه؛ در مقرنس‌های طاق‌نماهای گنبد مصلی عتیق، افزون بر تخت/ تخته‌ها، در ترنج که از اجزای تشکیل دهنده مقرنس نیز محسوب می‌شود با کاشی پوشیده شده است. نقش مایه‌های تشکیل دهنده کاشی‌ها شامل نقوش گیاهی در بردارنده عناصر ختایی (گل، برگ و غنچه) و اسلیمی، نقوش هندسی مشتمل بر نقوش هندسی ساده و پیچیده/ گره و همچنین کتیبه است. با بررسی نمونه‌ها مشخص شد که این نقش مایه‌ها بیشتر شامل نقوش گیاهی به خصوص اجزای ختایی و سپس نقوش هندسی ساده و پیچیده/ گره (گره شش‌گُند هشت و چهارلنگه و ...) و در آخر نیز کتیبه است که فقط در مسجد جامع آبرندآباد موجود است. فن اجرای کاشی‌ها، تکنیک معرق غالباً در تلفیق با لعاب‌پران است که در برخی نمونه‌ها با شیوه طلاچسبان، تزئین شده‌اند (مسجد سرریگ، مسجد مجموعه سلطان آبرندآباد اشکذر و گنبد مصلی عتیق). رنگ لعاب‌های کاشی‌ها به ترتیب استفاده شامل فیروزه‌ای، لاجوردی، سفید، حنایی و سیاه است. از حیث نقش مایه‌های کاشی، تشابهاتی نظیر گل‌های ختایی چندپَر ساده، گل‌های چندپَری که در رأس هر گلبرگ خود، به نقش مایه‌ای شبه گل/

زهراراشدینا

تحلیلی تطبیقی بر ابنیه دارای مقرنس‌های گچی تلفیق یافته با آرایه‌های کاشی کاری در دوره تیموری و ترکمانان ایران امروزی

غنچه/ برگ ماندی ختم می‌شود، تبدیل کتیبه کوفی بنایی در مرکز به نقش گره (نقش هندسی هشت)، فرم‌های اشک ماندی که اغلب با تکنیک لعاب‌پران اجرا شده و ... را با سایر آرایه‌های کاشی این ادوار می‌توان ملاحظه کرد. همچنین در مجموع، این نتیجه حاصل شد که از حیث نقش مایه‌های موجود در کاشی‌های جامعه آماری مورد مطالعه، با دیگر ابنیه دوره تیموری و ترکمانان دارای وجوه اشتراکاتی است. لیکن به لحاظ تلفیقی بودن تکنیک اجرایی مقرنس‌ها؛ یعنی مزین شدن تخت/تخته‌های مقرنس‌های گچی با کاشی در ابنیه ادوار مذکور منحصر به فرد است. به طوری که کل این آثار، در یک منطقه (استان یزد و شمال استان فارس) از ایران قرار دارند و نمونه مشابه این شیوه تزئینی را، در سایر نقاط فرمانروایی تیموریان و ترکمانان و حتی دوره‌های پیشین نمی‌توان ملاحظه کرد. بنابراین چنین امری می‌تواند نشان‌دهنده سبکی محلی باشد که نمونه‌های آن در این برهه زمانی، تنها در این حوزه وجود دارد.

سپاس‌گزاری

در این فرصت لازم است تا از همکاری و همیاری صمیمانه کارمندان اداره کل میراث فرهنگی استان یزد و همچنین آقایان مهندس نصیری، کریمی، نیک‌محمد مستمند غوری، محمدرضا امامی و علی راشدندانی تقدردانی شود.

تعارض منافع و سهم نویسندگان

بین نویسندگان تعارضی در منافع وجود ندارد.

منابع مالی

وجود ندارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. درباره اهمیت و انتخاب ایران امروزی برای مقاله پیش‌رو، به دلایلی از قبیل: تمرکز بیشتر مطالعات و پژوهش‌های محققان بر ابنیه منطقه آسیای مرکزی و افغانستان امروزی و توجه کمتر به بناهای ایران کنونی؛ حضور هنرمندانی از این خطه در پایه‌گذاری هنر تیموری، با توجه به صراحت نوشته منابع تاریخی همچون ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی (یزدی، ۱۳۸۷)، ابن عربشاه (ابن عربشاه، ۱۳۵۶)، تیمور هنرمندانی را از اقصی نقاط ممالک مفتوحه، به سمرقند کوچ داده است و از سویی حضور هنرمندانی با شهرت شیرازی، تبریزی، اصفهانی و غیره در آثار خلق شده در زمان تیمور و حتی جانشینانش؛ وجود مصادیقی از آرایه‌های دوره آل مظفر و احتمال تأثیرگذاری آن، می‌توان اشاره داشت.
۲. کاشی لعاب‌پران: در این روش پس از لعاب‌زنی و پخت کامل کاشی، با برداشتن قسمتی از لعاب سطح، طبق طرح مورد نظر و پدیدار شدن سطح خام کاشی (بیسکویت کاشی)، نقوش و کتیبه‌هایی را ایجاد می‌کنند (پیرنیا، ۱۳۸۱). کاشی لعاب‌پران ممکن است روی کاشی یک‌رنگ اجرا و نصب شود؛ مانند کتیبه‌های سردر «بقعه درب امام» اصفهان که با کاشی یک‌رنگ لاجوردی کار شده است. یا اینکه در تلفیق با کاشی معرق به کار رود؛ همانند بسیاری از آرایه‌های کاشی معرق ابنیه دوره تیموری و ترکمانان همچون «مسجد جامع ورزنه» اصفهان، «مدرسه غیاثیه» خرگرد، «مسجد کبود» تبریز و غیره که این نمونه کاربرد بسیار بیشتری دارد.
۳. جامعه آماری ابنیه دارای آرایه‌های کاشی بناهای ادوار تیموری و ترکمانان در ایران، بر پایه مشاهدات عینی (میدانی) و اطلاعات کتابخانه‌ای گردآوری شده توسط نگارندگان، صورت پذیرفته است، بنابراین این احتمال وجود دارد که نمونه یا نمونه‌های مستند دیگری، در حوزه کاشی‌کاری ابنیه بازه زمانی مذکور در ایران، به جامعه آماری این پژوهش نیز اضافه شود. از این رو مطالعات انجام شده در این زمینه ممکن است با ارائه نمونه‌های جدیدتری در این حیطه، تکمیل یا تصحیح شود.
۴. کاشی‌های طلاچسبان دارای لایه نازکی از طلا هستند که به‌عنوان تزئین و به شیوه‌های مختلف روی لعاب کاشی اجرا شده‌اند (میش مست‌نهی و مرتضوی، ۱۳۹۹). از نمونه‌های کاشی‌های طلاچسبان در بناهای دوره تیموری و ترکمانان می‌توان به «مسجد شاه» مشهد، «مدرسه غیاثیه» خرگرد، «بقعه درب امام» اصفهان، «مسجد کبود» تبریز و ... اشاره نمود.
۵. کاشی‌های معرق «مسجد جامع آبرندآباد» ظاهراً در تلفیق با لعاب‌پران است، زیرا در حال حاضر قسمت‌های لعاب‌پران در مرمت‌های صورت گرفته احتمالاً با گچ پوشیده شده است.
۶. در خور یادآوری است که علاوه بر این دسته از مقرنس‌ها در طاق بزرگ بالای محراب، در قسمت پایین نیز، طاق کوچکی موجود است که مقرنس‌های گچی در تلفیق با کاشی به کار رفته که تنها دو نمونه از کاشی‌های تخت/تخته‌ها برجای مانده است.

زهرا راشدندانی

تحلیلی تطبیقی بر ابنیه دارای مقرنس‌های گچی تلفیق یافته با آرایه‌های کاشی‌کاری در دوره تیموری و ترکمانان ایران امروزی



منابع

- ابراهیم‌زاده، اکرم (۱۳۹۶). مطالعه باستان‌شناختی مجموعه امامزاده شهداء (سلطان ابراهیم) خرمی- ده‌بید، شهرستان صفادشهر، استان فارس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی (منتشر نشده)، دانشگاه هنر اصفهان، دانشکده حفاظت و مرمت.
- ابراهیم‌زاده، اکرم، و صالحی‌کاخکی، احمد (۱۳۹۷). امامزاده شهداء (سلطان ابراهیم) خرمی-ده‌بید فارس؛ خانقاهی از عصر ایلخانی- تیموری. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۱۹، ۱۸۶-۱۶۷. doi: 10.22084/NBSH.2019.16193.1736
- ابن عربشاه، احمد بن محمد (۱۳۵۶). زندگانی شگفت آور تیمور (عجایب المقدور فی اخبار تیمور). ترجمه محمد علی نجاتی. بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- احترام، سمانه السادات (۱۳۹۲). مطالعه فنی و آسیب‌شناسی تزیینات نقاشی گنبد مصلی عتیق یزد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مرمت اشیاء فرهنگی و تاریخی. دانشگاه هنر تهران، دانشکده هنرهای کاربردی.
- افشار، ایرج (۱۳۵۴). یادگارهای یزد، ج ۱ و ۲. انجمن آثار ملی.
- اوکین، برنارد (۱۳۸۶). معماری تیموری در خراسان. ترجمه علی آخشینی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۱). مصالح ساختمانی (آژند، اندود، آمود). تدوین و تعلیق زهره بزرگمهری. سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۶). سبک‌شناسی معماری ایران. سروش دانش.
- جعفری، جعفر بن محمد بن حسن (۱۳۴۳). تاریخ یزد. به کوشش ایرج افشار. علمی و فرهنگی.
- حاتم، غلامعلی (۱۳۷۹). معماری اسلامی ایران در دوره سلجوقیان. تهران: جهاد دانشگاهی.
- حسینی یزدی، رکن‌الدین (۱۳۴۱). جامع الخیرات و قفنامه رکن‌الدین حسینی یزدی، به کوشش محمد تقی دانش‌پژوه و ایرج افشار. فرهنگ ایران زمین.
- خادم‌زاده، محمدحسن (۱۳۸۹). معماری دوره آل مظفر یزد (ایلخانی و تیموری) با نگاهی به بناهای عصر اتابکان، با همکاری مجید علومی و الهه الوندیان خاکباز. هم‌پا، سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان یزد.
- خاکباز الوندیان، الهه (۱۳۹۳). روند مرمت منبر کاشی‌کاری مجموعه سلطان بندرآباد؛ یزد. اثر، ۶۷، ۳۲-۱۵.
- رحمتی، محمدحسین (۱۳۹۱). آرایه‌های گچی در آثار تاریخی قم. کیمیاگر، ۱۳۹۱.
- رنیس‌زاده، مهناز و مفید، حسین (۱۳۷۴). احیای هنرهای از یادرفته: مبانی معماری سنتی در ایران به روایت استاد حسین لرزاده. مولی.
- شعرباف، اصغر (۱۳۸۵). گره و کاربندی. سازمان میراث فرهنگی کشور، سبحان نور.
- کاتب یزدی، احمد بن حسین (۱۳۴۵). تاریخ جدید یزد. فرهنگ ایران زمین.
- کاشانی، غیاث‌الدین جمشید (۱۳۶۶). رساله طاق و ازج. ترجمه و تحشیه علیرضا جذبی. سروش.
- گدار، آندره؛ گدار، یدا و سیرو، ماکسیم (۱۳۷۱). آثار ایران. ج ۳. ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم. آستان قدس رضوی.
- لرزاده، حسین بن محمد بن اسماعیل (۱۳۶۰). احیای هنرهای از یادرفته: فنون مقرنس. مولف.
- مزی‌شرف‌آبادی، مجید (۱۳۹۷). بررسی تزیینات مجموعه سلطان بندرآباد یزد و کاربرد آن در گرافیک معاصر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد ارتباط تصویری (منتشر نشده)، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری.
- مستوفی بافتی، محمد بن محمود (۱۳۸۵). جامع مفیدی، به کوشش ایرج افشار. ج ۳ (بخش دوم). اساطیر.
- مشکوتی، نصرت‌الله (۱۳۴۹). فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران. سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
- مصطفوی، محمد تقی (۱۳۴۳). اقلیم پارس؛ آثار تاریخی و اماکن باستانی فارس. انتشارات انجمن آثار ملی.
- میش‌مست‌نهی، مسلم، و مرتضوی، محمد (۱۳۹۹). بررسی فنی، تاریخی و دسته‌بندی تزیینات زرآراسته در کاشی‌های دوران اسلامی ایران. مطالعات باستان‌شناسی، ۱، ۲۶۱-۲۴۳. DOI: 10.22059/JARCS.2020.264467.142608
- نجیب اوغلو، گل‌رو (۱۳۷۹). هندسه و تزیین در معماری. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی. روزنه.
- ویلبر، دونالد و گلمبک، لیزا (۱۳۷۴). معماری تیموری در ایران و توران. ترجمه کرامت‌الله افسر و محمدیوسف کیانی. سازمان میراث فرهنگی.
- ویلبر، دونالد (۱۳۸۹). سیر تحول کاشی‌کاری در معماری ایران (دوره اسلامی). ترجمه ربابه خاتون پیله‌فروش. چهارطاق.
- ویلیکینسون، چارلز (۱۳۹۱). نیشابور برخی ساختمانهای اوایل اسلام و تزیینات آنها. ترجمه هادی بکانیان. مرندیز.
- یزدی، شرف‌الدین علی (۱۳۸۷). ظفرنامه، ج ۱. محقق و مصحح سعید میرمحمد صادق و عبدالحسین نوانی. مجلس شورای اسلامی، موزه و مرکز اسناد.
- Blair, S. (1992). *The monumental inscriptions from early Islamic Iran and Transoxiana*. E.J. Brill.
- O'Kane, B. (1976). *The Madrasa al-Ghiyasiyya Khargird. Iran*, (14), 79 - 92.
- _____ (1978). *The Imamzada Husain Rida at Varamin. Iran*, (16), 175-177.
- _____ (1995). *Timurid Stucco Decoration. Studies in Persian Art and Architecture*. The American

زهرا راشدنیا

تحلیلی تطبیقی بر ابنیه دارای مقرنس‌های گچی تلفیق یافته با آرایه‌های کاشی‌کاری در دوره تیموری و ترکمانان ایران امروزی

University in Cairo press.

- Pickett, D. (1997). *Early Persian Tilework. The Medieval Flowering of Kashi*. Associated University Press.
- URL 1: <https://archnet.org> (access date 2020/10/30)
- URL 2: www.metmuseum.org (access date: 2019/12/5)

COPYRIGHTS

Copyright © 2024. This open-access journal is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.



نحوه ارجاع به این مقاله
راشدنیا، زهرا و صالحی کاخکی، احمد (۱۴۰۲). تحلیلی تطبیقی بر ابنیه دارای مقرنس‌های گچی تلفیق یافته با آرایه‌های کاشی‌کاری در دوره تیموری و ترکمانان ایران امروزی. فصلنامه علمی اثر، دوره ۴۴، شماره ۴ (۱۰۳): ۵۶۸-۵۹۰.

DOI: 10.22034/44.4.568

URL: <https://athar.richt.ir/article-2-1800-fa.html>



شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

زهرا راشدینیا

تحلیلی تطبیقی بر ابنیه دارای مقرنس‌های گچی تلفیق یافته با آرایه‌های کاشی‌کاری در دوره تیموری و ترکمانان ایران امروزی